



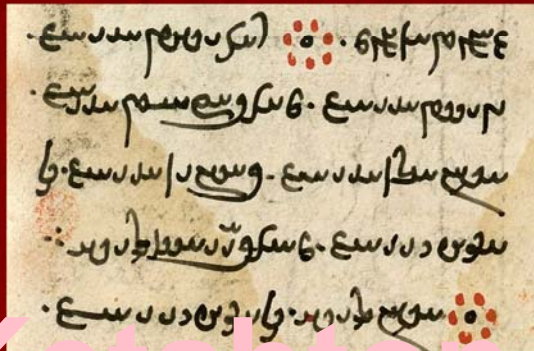
گاتای زرتشت

کوششی برای ترجمه واقعگرایانه و غیرذوقی از گاتای منسوب به زرتشت

رضا مرادی غیاث‌آبادی

متن گاتا بر اساس گزارش: پرادن اکتور شرُو

با یاری: بابک صالحیان



Ketabton.com

Persian Studies

The Gathas of Zarathustra

R. M. Ghasabadi

از همین نویسنده

- دایره‌المعارف عکس ایران، ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶
- نگاره‌های پیش از تاریخ ایران، ۱۳۷۶
- سازه خورشیدی مجاور زیگورات چغازنبیل، در گاهنامه پژوهش‌های ایرانی، ۱۳۸۰
- تردید در فرضیه مهاجرت آریاییان و چگونگی آب‌وهوا و دریا‌های باستانی ایران، ۱۳۸۱
- اوستای کهن و فرضیاتی پیرامون نجوم‌شناسی بخش‌های کهن اوستا، ۱۳۸۲
- خانه مادر بزرگ، ۱۳۸۳
- راهنمای زمان جشن‌ها و گرده‌مایی‌های مردمی ایران، ۱۳۸۴
- زادروز فردوسی، ۱۳۸۴
- جشن‌های مهرگان و سده، ۱۳۸۴
- نوروزنامه: پنجاه گفتار در پژوهش‌های ایرانی، ۱۳۸۶
- اسپیت‌نامه: بیست و دو گفتار در پژوهش‌های ایرانی، ۱۳۸۸
- چارتاقی‌های ایران: بررسی پیوند چارتاقی‌ها با زمان و تغییرات میل خورشید، ۱۳۸۹
- ایران چیست؟ طرح مسئله پیرامون نام‌های آریا، ایران و فارس، ۱۳۹۰
- گوی بالدار: بررسی سیر تطور یک نقش کیهانی کهن در شرق باستان، ۱۳۹۱
- درآمدی بر شکل‌گیری مناسبات مدنی جوامع باستان و غلبه سلطه‌گری، ۱۳۹۱
- زیورافزارهای باستانی قفقاز، ۱۳۹۱
- سنگ‌نگاره‌های صخره‌ای ایران، ۱۳۹۱
- گانای زرتشت: کوششی برای ترجمه واقعگرایانه و غیرذوقی از گانای منسوب به زرتشت، ۱۳۹۲
- فرهنگنامه عکس ایران، ۱۳۹۲
- فرهنگنامه ایران، ۱۳۹۲

پژوهش‌های ایرانی

گاشای زرتشت

رضا مرادی غیاث‌آبادی

متن گاشا بر اساس گزارش:

پرادز اکتور شروو

با یاری:

بابک صالحیان



تهران ۱۳۹۲

عنوان قراردادی:
عنوان و نام پدیدآور:
مشخصات نشر:
مشخصات ظاهری:
شابک:
فهرست‌نویسی:
موضوع:
شناسه افزوده:
شناسه افزوده:
شناسه افزوده:
شناسه افزوده:
رده بندی کنگره:
رده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:

اوستا . یسنا . گاهان . فارسی . شرح
گائای زرتشت / رضا مرادی غیاث‌آبادی؛ متن گائا براساس گزارش
پرادزاکتور شروو، با یاری بابک صالحیان.
تهران: رضا مرادی غیاث‌آبادی (پژوهش‌های ایرانی)، ۱۳۹۲.
۱۴۴ ص.
978-964-6303-46-1
فیبا
اوستا . یسنا . گاهان -- نقد و تفسیر.
مرادی غیاث‌آبادی، رضا، ۱۳۴۲ -
صالحیان، بابک، ۱۳۴۷ -
شروو، پرادز اکتور، ۱۹۴۴ - م.
Sjaervo, Prods Oktor
الف ۱۳۹۱ DSR۴۷۳
۲۹۵/۸
۲۸۶۵۳۸۵

اجازه‌نامه

نسخه دیجیتال این کتاب با اجازه مؤلف منتشر شده و توزیع و به اشتراک گذاشتن آن در محیط وب بدون هیچگونه تغییر در محتوای آن برای همگان آزاد و رایگان است. متن اجازه‌نامه در آدرس زیر در دسترس است:

http://ghiasabadi.com/zoroaster_gatha_04.html

گائای زرتشت

رضا مرادی غیاث‌آبادی

متن گائا بر اساس گزارش پرادز اکتور شروو

با یاری بابک صالحیان



طرح و نشر

پژوهش‌های ایرانی / مؤلف

لیتوگرافی و چاپ

طاووس‌رایانه / کاوا

چاپ نخست ۱۳۹۲

۱۰۰۰ نسخه



همه حقوق محفوظ

تلفن ۴۴۱۷۶۱۱۰ (۲۱)

www.ghiasabadi.com / reza@ghiasabadi.com

شابک ۱ ۴۶ ۶۳۰۳ ۹۶۴ ۹۷۸

۱۲۰۰۰ تومان

اکنون آن مسیر حیات طولانی را که هیچکس در واقع ندیده
و شما خدایان آن مسیر را می‌روید، در مقابل من قرار ده.
صریح به من بگو ای اهورا، چگونه من باید مخارج مراسم
قربانی گاو را بدست آورم: ده مادیان با یک اسب نر، و
همچنین یک شتر، پاداشی که به من الهام کرده‌ای ای مزدا.

از گائای زرتشت

فهرست

پیشگفتار	۹
در باره گائا	۹
پیشینه پژوهش و ترجمه گائا در جهان	۱۱
پیشینه پژوهش و ترجمه گائا در ایران	۱۳
دستکاری در گائای زرتشت و گمراهی در مطالعات ثانویه	۱۷
نظریات ژان کلنز در باره گائای زرتشت	۲۵
چند یادداشت در باره این ترجمه	۲۹

گائای زرتشت

۱- آهونَوَئیتی گائا	۳۱
هات ۲۸	۳۳
هات ۲۹	۳۹
هات ۳۰	۴۴
هات ۳۱	۴۹
هات ۳۳	۵۴
هات ۳۴	۵۸
۲- اوشتَوَئیتی گائا	۶۳
هات ۴۳	۶۵
هات ۴۴	۷۲
هات ۴۵	۷۸
هات ۴۶	۸۲
۳- سَپِنَتامَنیوگائا	۸۷
هات ۴۷	۸۹

گائای زرتشت

۹۲	هات ۴۸
۹۴	هات ۵۰
۹۷	۴- وُهوخَشْثُرَاگائا
۹۹	هات ۵۱
۱۰۹	۵- وُهیشْتوئیشْتی گائا
۱۱۱	هات ۵۳
۱۱۶	هات ۵۴

پیشگفتار

درباره گاتا

گاتا/ گاتها بخش‌های پراکنده و منفصلی در کتاب اوستا و منسوب به زرتشت است. این بخش‌ها در سده نوزدهم میلادی و با پژوهش‌های پیگیرانهٔ اوستاشناسان اروپایی شناسایی شد و از دل اوستا استخراج گردید. واژهٔ گاتا در متون اوستایی برای نامیدن پنج سرود زرتشت بکار رفته است. گاتا اسم مؤنثی است که معنای سرود یا سرودخوانی را می‌دهد و در متون سانسکریت نیز به همین معنا کاربرد دارد. واژهٔ گاتا اکنون به شکل‌های گاته‌ها/ گاتا/ گاتها/ گاهان/ گاسان نیز نوشته می‌شود. سومین حرف اوستایی در واژه گاتا حرفی است که آوای ترکیبی و توأمان «ت» و «ه» را دارد و در زبان فارسی معادل با «ث» و در زبان‌های اروپایی معمولاً معادل با «th» است. حرف «ث» برخلاف اصرار برخی لغت‌دانان اساس عربی صرف ندارد و خاستگاهی در زبان‌های ایرانی باستان نیز دارد. تلفظ و نگارش این واژه به شکل «گاتها» («ت» و «ه» مجزا) هر چند که متداول است، اما دقیق نیست و در صورت استفاده می‌باید توجه داشت که جزء «ها» نشانه جمع نیست و جدا نوشته نمی‌شود.

گاتا سخن منظوم و شعرگونه‌ای است که ظاهراً به هنگام مراسم دینی پیروان مَزْدَیَسْنَا/ مزداپرستان و به شکل گروهی اجرا و همسرایی می‌شده است. این دین با بهدینی مزدیسنا یا زرتشتی که در زمان ساسانیان به وجود آمد، تفاوت دارد. محتوای گاتا با دیگر بخش‌های اوستا تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد و نام‌های امشاسپندان در آن منحصرأً به عنوان اسم معنا آمده‌اند و دلالت بر شخصیتی مینوی نمی‌کنند. بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که سرودهای

گائای زرتشت

منظوم گائا- همچون گلستان سعدی- در میان بخش‌های منثوری جای داشته‌اند که آن بخش‌ها به مرور زمان از میان رفته‌اند.

سرایش گائا به موجب اشاره‌ای در بند هشتم یسنای ۵۷ منسوب به زرتشت است. اما گروهی از اوستاشناسان و از جمله ژان کلنز در این انتساب تردید دارند و آنرا محصول سرایندگان و مکاتب گوناگون می‌دانند. چرا که شانزده بار یادکرد از نام زرتشت در گائا، نه در حالت اول شخص مفرد که در حالت سوم شخص غایب یا حاضر بوده است.

زمان سرایش گائا به احتمال با زمان زندگی زرتشت یکسان است و به سده هفتم و ششم پیش از میلاد (همزمان با عصر مادها) باز می‌گردد. گزارش منابع و تاریخ‌نامه‌های ایرانی از زمان زرتشت به اتفاق حاکی از آنست که زرتشت در سال ۶۶۱ پیش از میلاد متولد شده و در سال ۵۸۴ پیش از میلاد در گذشته است (بنگرید به پیوست ۱). با این حال، قدمت و ساخت زبانی و دستوری گائا این گمان را پیش کشیده است که بخش‌هایی از آن تا مدتی پیش از زرتشت سروده شده باشد.

در گائا هیچگونه اشاره و یادکردی از یک نام جغرافیایی وجود ندارد؛ اما به نظر می‌رسد که زبان گائا و مکان سرایش آن با محل زندگی زرتشت یکسان باشد. این مکان به احتمال زیاد در شرق ایران و در سرزمین سیستان/ زابلستان و یا در بلخ باستانی (مزارشریف امروزی) در شمال افغانستان بوده است. شهری که به موجب شاهنامه فردوسی پایتخت گشتاسپ و دین‌پذیری او نیز بوده است.

گائا در پنج فصل با نام‌های سپسین «آهونوئیتی گائا»، «اوشتوئیتی گائا»، «سپنتامنیوگائا»، «وئوخشثراگائا» و «وئیشثوئیشتی گائا»، و در ۱۷ بخش (هائیتی/ هات/ ها)، ۲۳۸ بند (وچستشتی/ وچست)، ۸۹۶ بیت (آفسمن/ پتمان/ گاس) و ۵۵۶۰ واژه سروده شده و از نظر زبان و نگارش، کهن‌ترین بخش اوستای موجود است.

گائای زرتشت

گائای یک کتاب مستقل نیست و هویت مستقلی نیز ندارد؛ بلکه سرودهایی است که در دل هفتاد و دو هات یسنای اوستا پراکنده هستند. هفده بخش گائای را عموماً شامل هات‌های ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱ و ۵۳ یسنا می‌دانند (شروو هات‌های ۳۲ و ۴۹ و برخی بندها را در جزو گائای نیاورده، اما بند ۱ از هات ۵۴ را بخشی از گائای دانسته است). دلیل پراکنش گائای در دل یسنا دانسته نیست. اما با توجه به تحریف‌ها و دستکاری‌های موبدان زرتشتی ساسانی در یادمان‌های فرهنگی و مکتوب باستانی، می‌توان گمان داد که این کار به منظور حذف و نابودی بخش‌هایی از گائای و جایگزین کردن آنها با محتویات جدیدتر که مطابق با خواست موبدان بوده باشد، روی داده است. غیرمرتبط بودن سرودهای گائای و حتی بسیاری از بندهای یک سرود با یکدیگر و وجود انفصال و خلأ محتوایی در میان آنها، چنین احتمالی را قوت می‌بخشد.

پیشینه پژوهش و ترجمه گائای در جهان

آشنایی با گائای و نخستین ترجمه‌ها از آن سرگذشتی پرفراز و نشیب دارد. زبان گائای که با زبان اوستای نو تفاوت‌هایی دارد، حتی برای مؤلفان متون پهلوی نیز به درستی فهم‌پذیر نبوده است. فردریش اشپیگل (Friedrich Spiegel) از نخستین پژوهشگرانی بود که در سال ۱۸۶۷ و در کتاب «دستور زبان باختری باستان» (Gramatik der Altbaktrischen Sprache) به تفصیل در مورد لهجه گائای و تفاوت آن با دیگر بخش‌های اوستا روشنگری کرد.

ترجمه متن گائای پس از کوشش‌های آغازین دانشمندانی همچون آنکنیل دوپرون (Anquetil Duperron)، توماس هید (Thomas Hyde) و اوژن بورنوف (Eugene Burnouf)، به همت ویلهلم گیگر (Wilhelm Geiger) توسعه یافت. او در سال ۱۸۷۹ ترجمه سرودهای یکم، دوم و سوم گائای (هات‌های ۲۸، ۲۹ و ۳۰ یسنا) را در کتاب «دستنامه زبان اوستایی-گرامر،

گائای زرتشت

گزیده متون و واژه‌نامه» (Handbuch der Awestasprache, Gramatik,) در ارلانگن و به زبان آلمانی منتشر کرد.

سپس شارل ژوزف دو هارله (Charles Josef de Harlez) در سال ۱۸۸۱ متن کامل گائا و دیگر بخش‌های اوستا را در کتاب «اوستا» (Avesta) در پاریس و به زبان فرانسه در اختیار جهان زبان‌شناسی و فرهنگ‌شناسی باستانی نهاد.

اندکی پس از آن، کارل فریدریش گلدنر (Karl Friedrich Geldner) در سال ۱۸۸۵ متن کامل و انتقادی اوستا را (که در بردارنده گائا نیز بود) به خط اوستایی و با عنوان «اوستا- کتاب مقدس ایرانیان» (Avesta- The Sacred Books of the Parsis) در اشتوتگات به چاپ سپرد. این کتاب نخستین و واپسین متن کامل اوستای اصلی در جهان است.

یازده سال پس از دوهارله، جیمز دارمستتر (James Darmesteter) در سال ۱۸۹۲ مجدداً متن کامل گائا و دیگر بخش‌های اوستا را در کتاب «زند- اوستا» (Zend- Avesta) در پاریس و به زبان فرانسه عرضه نمود.

پس از این، کریستیان بارتولومه (Christian Bartholomae) در سال ۱۹۰۵ متن کامل گائا و اوستا را در کتاب «اوستا» (Avesta) در استراسبورگ و به زبان آلمانی منتشر نمود که در زمان خود انقلابی در اوستاشناسی بشمار می‌رفت.

هانس رایشلت (Hans Reichelt) اوستاشناس دیگری بود که در سال ۱۹۱۱ ترجمه گائای او در کتاب «خوانش اوستا» (Avesta Reader) در استراسبورگ به زبان انگلیسی منتشر شد.^۱

^۱ این کتاب با ترجمه جلیل دوستخواه در سال ۱۳۸۳ و با عنوان «رهیافتی به گاهان زرتشت و متن‌های نووستایی» در تهران منتشر شده است. اما مترجم محترم بجای ترجمه متن گائای رایشلت، متنی که خود قبلاً منتشر کرده بوده را عیناً بجای آن آورده است.

گائای زرتشت

لاورنس میلز (Lawrence Mills) نیز در سال ۱۹۲۵ متن مستقل و متمایز گائا را در کتابی با عنوان «گائها/ گائا» (Gatha) در پاریس و به زبان فرانسه منتشر کرد.

ترجمه دیگری از گائا متعلق به هلموت هومباخ (Helmut Humbach) است که با عنوان «گائای زرتشت» (Die Gathas des Zarathushtra) در سال ۱۹۵۹ در هایدلبرگ به زبان آلمانی منتشر شد. این کتاب در سال ۱۹۹۱ با همکاری ژوزف الفنین (Josef Horblit Elfenbein) و پرادز اکتور شیروو بازنگاری و ویرایش اساسی شد و با نام «گائای زرتشت و دیگر متن‌های اوستای کهن» (The Gathas of Zarathustra: and the other old Avestan Texts) در هایدلبرگ به زبان انگلیسی منتشر شد. این کتاب هم‌اکنون از معتبرترین ترجمه‌های گائا و همراه با ترجمه مستقل شیروو از گائها که در سال ۲۰۰۷ منتشر شد، اساس کتاب حاضر است.

در سال ۱۹۷۵ نیز ترجمه‌ای از گائا به قلم استنلی ایسلر (Stanley Isler) و با عنوان «گائای زرتشت» (The Gathas of Zarathustra) در لیدن هلند منتشر شد که بحث‌ها و گفتگوهای فراوانی را به همراه داشت.

از جدیدترین ترجمه‌های گائا، متنی است که ژان کلنز (Jean Kellens) و اریک پیرار (Eric Pirart) در کتاب «متون کهن اوستایی» (Les textes vieil-avestiques) عرضه کردند و در فاصله سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱ به زبان فرانسه در ویسبادن منتشر گردید.

دانشمندان دیگری نیز همچون هانس رایشلت (Hans Reichelt)، مارتین هوگ (Martin Haug)، ر. روت (R. Roth)، یوهان هنریش هوبشمان (Johann Heinrich Hübschmann)، فردریک کارل آندرآس (Friedrich Carl Andreas)، ژاکوب واکرناگل (Jacob Wackernagel) متن کامل یا گزیده‌ای از گائا را ترجمه و منتشر کردند و بر دانسته‌ها و دانش اوستا و گائاشناسی رونقی افزون‌تر بخشیدند.

پیشینه پژوهش و ترجمه گائادرایران

نخستین آشنایی ایرانیان با اوستا و گائا پس از ۱۵۰ سال که از آشنایی اروپاییان با اوستا می‌گذشت، اتفاق افتاد. نخستین ترجمه فارسی از متن گائا را ابراهیم پورداود در سال ۱۳۰۵ و بر اساس ترجمه کریستیان بارتولومه در بمبئی (بومبای) منتشر کرد که به دلیل نقصان‌های موجود در ترجمه، یکبار دیگر آنرا ترجمه و ویرایش نموده و در سال ۱۳۳۱ در همان شهر منتشر نمود. ترجمه پورداود برای نخستین بار ایرانیان و زرتشتیان را متوجه گائا و محتوای فراموش‌شده آن کرد. این ترجمه اساس ترجمه و ویرایش دیگری قرار گرفت که جلیل دوستخواه در سال ۱۳۶۴ منتشر کرد و تاکنون بارها تجدید چاپ شده است. بجز این، هشت نفر دیگر نیز گائای زرتشت یا چکیده‌ای از آنرا بر اساس یکی از ترجمه‌های اروپایی و یا با ویرایش ترجمه‌های دیگران منتشر کردند که عبارتند از: موسی جوان، عباس شوشتری (مهرین)، هاشم رضی، علی‌اکبر جعفری، فیروز آذرگشسب، حسین وحیدی، رستم شهزادی و آبتین ساسانفر.

ترجمه پورداود از گائا ترجمه‌ای کاملاً وفادار به متن نیست؛ اما پیشتازی و پیشکسوتی او در ترجمه گائا و دیگر بخش‌های اوستا در خور قدرشناسی فراوان است. این معضل در ترجمه‌ها و ویرایش‌های دیگری که در بالا از آنها یاد شد، شدت بیشتری یافته و تمامی آنها - کم یا زیاد - بنا به ذوق و سلیقه و مطابق با هنجارها و پسندهای امروزی دچار دخل و تصرف و آرایش شده است (بنگرید به بخش بعد).

در دوره معاصر برخی از زرتشتیان مدعی شده‌اند که گائا کتاب دینی آنان است. از آنجا که زرتشتیان هیچگاه چنین کتابی را نمی‌شناخته و در متون دینی آنان نیز یادی از آن نشده است و نیز نسخه‌ای از آنرا هیچگاه در اختیار نداشته‌اند، چنین ادعایی نادرست و شگرف می‌نماید. گائا و محتوای آن (و نیز زرتشت که سراینده احتمالی آن است) ارتباطی با بهدینی زرتشتی که در زمان ساسانیان به وجود آمد، ندارد و شباهتی با احکام و شرایع دینی زرتشتی در آن

گائای زرتشت

دیده نمی‌شود. این ادعا در صورتی قابل اعتنا و بررسی است که منبع و سندی تاریخی بر آن صحه بگذارد و گائا را کتاب دینی زرتشتیان نامیده باشد.

دستکاری در گائای زرتشت

و گمراهی در مطالعات ثانوی

گائای زرتشت که بخش‌هایی پراکنده و نویافته از دل متون اوستایی است، به مانند دیگر متون باستانی و کتیبه‌ها، جزو اسناد و منابع دست اول دانسته می‌شود. منابع دست اول برای پژوهشگران مطالعات باستانی، مانند داده‌های آماری است برای یک تحلیلگر آمار و یا مانند مواد و عناصر است برای یک شیمیدان.

چنانچه منابع و داده‌های اولیه آماری به شکلی غیرواقعی و دستکاری‌شده در اختیار تحلیلگر قرار گیرد، تمامی استنتاجات او نادرست خواهد شد و برنامه‌ریزی‌ها و آینده‌نگری‌های مبتنی به آنرا به هرج‌ومرج و آشفتگی سوق خواهد داد. اینچنین است اگر آزمایش‌ها و تحقیقات یک شیمیدان با مواد و عناصر غیرواقعی، دستکاری‌شده و یا ناخالص انجام شود. در این صورت نیز حاصل تحقیقات، نادرست و گمراه‌کننده خواهد بود و نه تنها آزمایشگر را دچار نتیجه‌گیری غلط خواهد نمود، بلکه همه کسانی که با اتکای به داده‌های او به مطالعات ثانوی پرداخته‌اند، گمراه خواهند شد و نتایج مصیب‌باری از خود برجای خواهد نهاد.

گائا و دیگر متون دست اول، در حکم مهمترین منابع و داده‌ها برای مطالعات باستانی و پیگیری واقعیت‌های روزگاران گذشته است. چنانچه

گائای زرتشت

پژوهشگر یا مترجم به این متون وفادار نباشد و آنها را مطابق با ذوق شخصی خود و یا مطابق با هنجارها و دلپسندهای امروزی دستکاری کند، نه فقط منبع مهمی را تحریف کرده و خواننده را از دستیابی به راستی و واقعیت‌ها باز داشته است، که تمامی تحقیقات و شرح و تفسیرها و استنباط‌های ثانوی‌ای که با اتکای بدان متن انجام شده است را گمراه نموده و به نتایج غلطی می‌رساند. این نکته بخصوص در مورد گائا که مترجمانش تأکید ویژه‌ای بر روی واژه «راستی» دارند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، تاکنون ده ترجمه از گائا به زبان فارسی منتشر شده است که به ترتیب تاریخ نشر عبارتند از: ترجمه ابراهیم پورداود (سال ۱۳۰۵ و بازنگری در ۱۳۳۱)، موسی جوان (۱۳۴۸)، هاشم رضی (۱۳۴۸) و بازنگری در ۱۳۸۰)، موبد فیروز آذرگشسب (۱۳۵۱ تا ۱۳۵۸)، عباس شوشتی (۱۳۵۴)، علی‌اکبر جعفری (۱۳۵۹)، حسین وحیدی (۱۳۶۶)، جلیل دوستخواه (۱۳۷۴)، موبد رستم شهزادی (۱۳۷۷) و آبتین ساسانفر (۱۳۸۳).

هیچیک از گزارندگان یاد شده بالا به صراحت در پیشگفتار کتاب توضیح کامل و روشنی نداده‌اند که آیا ترجمه خود را مستقیماً از روی متن اوستایی انجام داده‌اند، یا بر اساس یک ترجمه اروپایی و یا بر اساس ویرایش و بازنگری در ترجمه‌های فارسی ماقبل خود. در نتیجه تمامی مسئولیتِ درستی یا نادرستی ترجمه بر عهده خود آنان است. تنها استثناء در این میان، موسی جوان است که ترجمه خود را برگردانی از ترجمه فرانسوی جیمز دارمستر معرفی کرده و تا جایی که بررسی کرده‌ایم، به متن اصلی وفادار بوده است. شگفت است که ترجمه موسی جوان، ناشناخته‌ترین و گمنام‌ترین ترجمه‌های موجود از گائا است.

مقایسه این ترجمه‌ها با یکدیگر و نیز با متن اصلی اوستایی نشان می‌دهد که هیچکدام آن مؤلفان/ مترجمان به متن اصلی پایبند نبوده‌اند و تغییراتی - که معمولاً بسیار زیاد است - بنا به ذوق و سلیقه خود و یا بنا به معذورات در آن

گائای زرتشت

اعمال کرده‌اند تا آنرا مطابق با خواست و باورهای امروزی خود و یا پیروان خود گردانند.

به همین دلیل است که هیچیک از این ترجمه‌های دهگانه شباهتی با یکدیگر ندارند و هر کدام به راهی می‌روند که مطلوب پدیدآورنده آن بوده است. در این میان، ترجمه پورداد کمتر از بقیه، و ترجمه‌های موبد آذرگشسب و موبد رستم شهزادی بیش از ترجمه‌های دیگر، از واقعیت دور شده‌اند.

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، تاکنون هیچکس این ترجمه‌ها را با یکدیگر مقابله و نقادی نکرده و کسی به این مسئله نپرداخته است که چرا حتی دو ترجمه فارسی گائا شباهتی به یکدیگر ندارند؟ آن هم در شرایطی که با یک متن واحد سروکار داریم و ترجمه‌های اروپایی آن بیش از این شبیه یکدیگر هستند.

یکی از مهمترین نقصان‌های این ترجمه‌ها که در همه آنها به چشم می‌خورد، عبارت است از تبدیل مفاهیم عادی و بدیهی و روزمره زندگی معمولی انسان‌ها به مفاهیم شعارگونه، فلسفی‌نمایانه و کلی‌بافی‌های دینی و اخلاقی. تبدیل هر مفهوم «این جهانی» به یک مفهوم «آن جهانی». و از آنجا که پدیدآورندگان، علائق و دیدگاه‌های شخصی یکسانی در این زمینه‌ها نداشته‌اند، هر کدام به نوعی متفاوت علائق خود را در متن دخالت داده‌اند و در نتیجه، نه ترجمه مختلف و بی‌شباهت با یکدیگر پدید آمده است.

درست است که متن گائا به دلیل زبان دشوار آن قابلیت درک کامل را ندارد و تا حدودی نیاز به استنباط پژوهشگر دارد (بهانه‌ای که اغلب تبدیل به ابزاری برای توجیه دستکاری‌ها شده است)، اما دخالت و تحریف، در مواقعی آشکارتر، بارزتر و بدیهی‌تر از آنست که قابلیت چنین توجیهی را داشته باشد. در همه این ترجمه‌ها، هر کجا که فعل جمع برای مفهوم خدایان وجود داشته است، افعال جمله از حالت جمع به حالت مفرد تبدیل شده‌اند.

گائای زرتشت

در بسیاری موارد حالت صرفی نام زرتشت از سوم شخص و یا ضمیر غایب، تبدیل به اول شخص و ضمیر حاضر شده است. در یک مورد نام زرتشت به دلیل ضمیر غایب و اشاره به زمان گذشته، بطور کلی حذف شده است. (موبد شهزادی، هات ۲۸، بند ۶).

واژه مرکب «گئوش اورون» به معنای «روان گاو/ نفس روح ماده گاو» بدون توجه به اهمیت و نقش بسیار مهم و حیاتی گاو در زندگی جوامع دامدار سده هفتم پیش از میلاد، به این شکلها برگردان شده است: در ترجمه‌های آذرگشسب، وحیدی، شهزادی و ساسانفر: «روان آفرینش»، شوشتری: «روان مادر گیتی»، جعفری: «جهان و جهانیان»، رضی: «جهان»، پوردادو: «فرشته نگهبان جانداران سودمند».

چنانکه در ادامه می‌بینیم، مترجمان تمایل و اشتیاق عجیبی در بکارگیری مکرر واژه «جهان» دارند و از آن به هر شکل ممکن و در ازای هر واژه‌ای که باب میل نبوده است، استفاده کرده‌اند.

با توجه به تغییر معنای گاو به جهان و چیزهای شبیه به آن، مترجمان ناچار بوده‌اند هر آنچه که به گاو مربوط می‌شده است را تغییر دهند. واژه «فَشوینت» به معنای «چوپان/ گاوچران» تبدیل شده است به: ترجمه آذرگشسب: «نیکوکاران و پارسایان و رهبر آنها»، جعفری: «کسی که با راستی و درستی می‌زید و کسی که جهان را می‌پرورد»، شهزادی: «پارسایان و کارگران درستکار»، وحیدی: «پارسایان و راهبر آنان»، دوستخواه: «پارسایان و رهبرشان»، ساسانفر: «نگهبان و سرپرست خوب».

دو واژه «خَشوینده» به معنای «شیر/ شیر گاو» و «آزوتی» به معنای «چربی شیر» تبدیل شده است به: ترجمه پوردادو: «فراوانی»، آذرگشسب و شهزادی: «پیشرفت جهان و سعادت مردمان درستکار»، شوشتری: «شیرینی مادر گیتی»، جعفری: «راهنمای آبادانی»، وحیدی: «آبادی جهان»، ساسانفر: «پیشرفت و بهبودی».

گائای زرتشت

واژه «واستَرَه» به معنای «علوفه» تبدیل شده است به: ترجمه پورداود: «خورش»، آذرگشسب و شهزادی: «نیروی آباد کردن جهان و گسترش راستی» (این دو بزرگوار گویا هر واژه غیردلخواهی را با همین عبارت تکراری جایگزین کرده‌اند)، شوشتری: «دهش و پوینده»، جعفری: «توش و توانایی و آبادانی»، رضی: «راستی و آیین مردمی»، وحیدی: «توان آبادی جهان»، دوستخواه: «یاوری خویش و تَخشایی»، ساسانفر: «همراه و پشتیبان».

واژه مرکب «هُووروشئیبیو» به معنای «بی‌چربی / بی‌غذا» تبدیل شده است به: ترجمه پورداود: «خورش نیازمندان»، آذرگشسب و شهزادی: «پیشرفت جهان و سعادت مردم درست کردار»، شوشتری: «شیرینی مادر گیتی که همه نیکان را بهره‌مند خواهد نمود»، جعفری: «او کسانی را که می‌خواهند خدمت کنند، با آموزش‌های خود پیش می‌برد»، وحیدی: «آبادی جهان»، دوستخواه: «بهبود جهان و کامروایی درست کرداران»، ساسانفر: «نیازمندان و خواستاران».

دو واژه «گئوشچا آزیاو» به معنای «گاو شیرده» تبدیل شده است به: ترجمه‌های آذرگشسب و شهزادی: «روان آفرینش»، شوشتری: «روان گیتی بارور»، جعفری، وحیدی و دوستخواه: «روان جهان بارور»، ساسانفر: «جهانی که آستن تحولات و دگرگونی‌هاست».

واژه «واستَرِیه» به معنای «علوفه‌دهنده» تبدیل شده است به: ترجمه پورداود: «کشاورز»، آذرگشسب: «نجات‌بخش»، شوشتری: «پاسدار خوب»، جعفری: «مردی نیکو، سودبخش و آبادکننده»، شهزادی: «یاور و نجات‌دهنده»، رضی: «کشاورزان»، وحیدی و دوستخواه: «رهاننده»، ساسانفر: «راهنما».

اینگونه تغییرات نه تنها در متن ترجمه گائا، که در واژه‌نامه‌های همراه با کتاب نیز اعمال شده است.

یادکردهای بالا نمونه‌هایی بود که فقط از چند بند آغازین هات ۲۸ و هات ۲۹ استخراج شده بود. اینگونه دستکاری‌ها و ترجمه‌های ذوقی، در

گائای زرتشت

هات‌های دیگر و بخصوص هات ۵۳ که به نکوهش زنان و نیز ازدواج احتمالی زرتشت با دخترش پوروچیستا می‌پردازد، شدت بیشتری یافته است. بی‌گمان نمی‌توان ادعا کرد که تمامی این ترجمه‌هایی که بسیار با یکدیگر متفاوت و متناقض هستند، درست هستند. اما اینکه چرا اشخاص چندانی بدان‌ها با دیده شک و تردید ننگریسته‌اند، از آن رو است که همگی آنها مفاهیم زیبا و دلپسندی را در بر دارند و احساسات خواننده آنها را قبول می‌کند و میل ندارد به شک و تردید پردازد، او همه آنها را بی‌کم و کاست و به‌رغم تمامی تفاوت‌ها و تناقض‌هایش می‌پذیرد.

در احساسات غالب امروزی تصور می‌شود که اگر گاتا چنین باشد، چیزی از افتخاراتشان کاسته می‌شود. در حالیکه گاتا به شکلی که به واقعیت نزدیک‌تر باشد، دوست‌داشتنی‌تر است. مراسم نیایشی ساده مردمی دامدار که از رنج روزگار بستوه آمده‌اند و شکوه‌هایشان را به درگاه اهورامزدا و دیگر خدایان بیان می‌کنند. آنان بدون اینکه به حقوق یکدیگر تعدی کنند، در جستجوی سکونتگاه خوب و آرامش و فراوانی هستند. گاتا به همین شکلش زیبا و دوست‌داشتنی است، بدون همه نادرستی‌ها و ذوق و قریحه‌هایی که بدان منتسب کرده‌اند تا به زعم خودشان زیباترش کنند. اگر هم واقعیت‌های نهفته در گاتا باشکوه و افتخارآمیز نبود، باز هم جای تأسف و رویگردانی نبود. چرا که برای یک دوستدار «راستی» پسندیده نیست که از واقعیت بگریزد و به «دروغ» پناه ببرد.

چنانکه در آغاز این گفتار اشاره شد، اگر متون و منابع دست اول که در حکم بنیان و شالوده هر فعالیت دانشی و پژوهشی هستند، دچار نادرستی و ناراستی و کژنمایی باشند، تمامی پژوهش‌های ثانوی متکی بر آنها، و هر آن شرح و تحلیل و تفسیر و تبیینی که با اتکای به آنها در زمینه گائاشناسی و زرتشت‌شناسی انجام شده باشد، ره به بیراهه و گمراهی زده‌اند و به نتایجی نادرخور و خیال‌پردازانه رسیده‌اند. تغییر و تحریف‌های گسترده در متن گاتا

گائای زرتشت

موجب هرز رفتن پژوهش‌های مرتبط با آن شده و راه دستیابی به واقعیت‌های تاریخی و باورشناسی باستانی را مسدود و آشفته کرده است.

در پایان به دو دلیل آرزو و اطمینان دارم که بزرگواران گرامی، بابت نقد مختصری که بر آثارشان نوشته شد، بر این کمترین خرده نخواهند گرفت و چنانچه به خطا رفته باشد، گوشزد خواهند نمود. نخست اینکه، متن گائا برای همه ما متنی مهم و گرامی است و جا دارد که اهمیت و حرمت آن قربانی تعارف‌ها و ملاحظه‌های معمول نشود. دوم اینکه، همه آن بزرگواران از پیروان و پویندگان و مدعیان «راه راستی» هستند و همواره آموزانده‌اند که «راستی بهترین است و هیچ چیز بهتر از راستی نیست».

نظریات ژان کلنز در باره گائای زرتشت

ژان کلنز، استاد بلژیکی زبان‌ها و دین‌های هندوایرانی در کلژ دو فرانس پاریس و یکی از نامدارترین پژوهشگران اوستا و گائا در جهان است. او بیش از چهل سال است که در حوزه اوستاشناسی می‌نویسد و تاکنون حدود یکصد و سی کتاب و مقاله، و از جمله ترجمه گائا در سال ۱۹۹۴ از او منتشر شده است.

بتازگی آقای احمدرضا قائم‌مقامی، نخستین کتاب از آثار کلنز را با نام «مقالاتی در باره زرتشت و دین زرتشتی» به فارسی ترجمه و انتشارات فرزانه روز آنرا در «مجموعه مطالعات ایران باستان» منتشر کرده است.^۲

کلنز روحیه‌ای بسیار جستجوگر و شکاک دارد و همواره بدون هیچ اکرایی، نظریات بدیعی را عرضه می‌دارد و در آرای پیشین خود تجدیدنظر می‌کند. نظریات او که معمولاً با آرای دیگران بکلی متفاوت است، همواره موجب انتقادات و جنجال‌های فراوانی در جهان اوستاشناسی شده (از جمله توسط گرادو نیولی و شائول شاکد)، در حالیکه بسیاری نیز او را پیشتاز دانش و آگاهی‌های نوین در این رشته می‌دانند.

از آنجا که آثار کلنز در ایران تا اندازه‌ای ناشناخته است، خلاصه‌ای از نظرات او را بر مبنای همین کتاب در اینجا می‌آورم. ژان کلنز در کتاب

^۲ کلنز، ژان، مقالاتی در باره زرتشت و دین زرتشتی، ترجمه و تدوین از فرانسه به انگلیسی پردز اُکتر شیروو، ترجمه از انگلیسی احمدرضا قائم‌مقامی، تهران، انتشارات فرزانه‌روز، ۱۳۸۶.

گائای زرتشت

«مقالاتی در باره زرتشت و دین زرتشتی»، (خلاصه و نقل به مضمون) چنین نظر دارد که:

زرتشت، خالق و نویسنده گائا نیست (ص ۸)؛ در واقعیت داشتن اصلاحات دینی او تردید وجود دارد (ص ۵) و سرایش گائا کار یک گروه دینی بوده است که از دو مکتب گوناگون برخواسته بوده‌اند (ص ۱۰۹ و ۱۱۲)؛ زرتشت نه یک شخصیت تاریخی که یک افسانه است و در گائا هم نام او همواره با صیغه سوم شخص آمده است (ص ۱۱۳)؛ نام پدر زرتشت، پوروشسپ نیست و در گائا اشاره‌ای به نام او نشده است (ص ۱۱۴)؛ مطالعه مزدیسنا، هنگامی به نتایج بسیار دست می‌یابد که خود را از دست وجود بنیانگذار یا پیامبر رها کند، این شخص پیوسته اسباب دردسر بوده و مانعی در راه مطالعات است. او چیزی جز زیان ندارد و محققان را به دنبال نخود سیاه فرستاده است (ص ۴۱).

اهورامزدا تنها خدای مزدیسنا نیست (ص ۶۳)؛ و نمی‌توان ثابت کرد که در گائا، اهورامزدا بر دیگر خدایان تفوق و تقدم داشته باشد (ص ۳۹).
گائا، سرودها و راز و نیازهای یک شخص با خدا نیست، بلکه آنرا برای اجرا در مناسک مذهبی سروده بوده‌اند (ص ۳۹ و ۸۱ و ۹۳)، همچنین هیچ نشانی از دعوت مردمان برای گرویدن به دین در آن نیست (ص ۴۱).

بعید است که در گائا سخنی از اخلاقیات شده باشد (ص ۳۹)؛ در گائا هیچ شاهی بر تضاد خیر و شر نیست (ص ۱۴) و وجه معادی دین مزدایی مذکور در اوستا، تا حد انکار ناچیز است (ص ۵)، چرا که هیچ کلمه‌ای بر ثواب و عقاب و داوری پس از مرگ در آن وجود ندارد (ص ۲۳)؛ همچنین هیچ اشاره‌ای در گائا در محکوم کردن خشونت و ستایش صلح طلبی وجود ندارد (ص ۶۶).

در گائا منظور از سوشیانت کسی است که از راه قربانی کردن به توانگری برسد (ص ۲۱) و نیز همه کسانی که در کار قربانی شریکند (ص ۱۰۹)؛ وهومنه/ بهمن، نیرو و عاملی آیینی است برای آوردن گاو به قربانگاه و آماده

گائای زرتشت

کردن آن برای ذبح (ص ۸۴ تا ۸۶)؛ منیو/ مینو، فعالیتی است که مؤمنان بتوانند مناسک مذهبی را اجرا کنند (ص ۹۴)؛ پیروان دروگه/ دروج، بد آیین‌هایی هستند که بجای روز در شب نیایش می‌کنند و نمونه‌ای از آنان جم/ جمشید است (ص ۹۸)؛ چینود پل، نام کسی است که با چیدن سنگ‌ها بر روی هم، گذرگاهی می‌سازد (ص ۲۳ و ۱۲۲)؛ اشی، به معنای سهم یا هر چیز تقسیم شدنی، و منظور از مگه/ مغ، اندام زنانگی است (ص ۲۳).

در گائا، گشتاسپ نام یک شاه نیست، بلکه نام پسر زرتشت بوده (ص ۱۰۵) و به احتمال شاعر هم بوده است (ص ۱۰۹)؛ فروشتر و جاماسپ نیز وزیران گشتاسپ نبوده‌اند (ص ۱۰۶)، بلکه اثر خلاقیت نویسنده‌ای متفنن هستند تا نام‌هایی واقعی (ص ۱۱۴)؛ پوروچیستا دختر زرتشت نیست، بلکه بندی در گائا که به او اشاره شده و دارای رنگ ملایم شهوانی است، به معنای شخصی است که مورد توجه کسان بسیاری واقع می‌شود (ص ۱۱۶).

اعمال نیایشی گائاخوانان، برگزاری مراسم نیایشی در روشنایی روز بوده و نیایش‌های شبانه عمل دیوان دانسته می‌شده است (ص ۹۲)، در مراسم گائاخوانان، نه تنها آزار رساندن به گاو نهی نشده است، بلکه گاو را قربانی و ذبح می‌کرده‌اند (ص ۹۲).

بحث درباره زرتشتی بودن یا نبودن هخامنشیان نادرست است، چرا که در آغاز باید بدانیم دین زرتشتی چیست (ص ۳۸) و آیا اصلاً چنین دینی وجود داشته است؟ (ص ۴۰)، آگاهی‌های ما از دین هخامنشیان- علیرغم کمبود- بیشتر از دین زرتشتی است (ص ۴۰).

کلنز معتقد است که مترجمان گائا- به دلیل پی نبردن به مفهوم واژگان دشوار آن- اصطلاحات و معانی آنها را آنطور که پیش زمینه‌ای در ذهن خود داشته‌اند، نوشته‌اند تا بتوانند جمله‌ای معنادار بدست دهند (ص ۴۱). او می‌گوید: باید پذیرفت که ما قادر به شناسایی هیچیک از خصوصیات اصلی مزدیسناي گائا نیستیم (ص ۴۰).

گائای زرتشت

استنلی اینسلر در سی و دو سال پیش، ترجمه‌ای از گائا را منتشر کرد که همچون ترجمه کلنز، تا اندازه زیادی با دانسته‌های زمان خود متفاوت بود. اکنون نیز ترجمه کلنز و گفتارهای او (با وجود اینکه بسیاری از آنها با مخالفت‌هایی روبرو شده است)، دستکم ما را با این واقعیت مواجه می‌سازد که در زمینه مطالعات اوستایی، دامنه اختلاف‌نظرها تا چه اندازه گسترده است و اینکه پس از گذشت دویست و پنجاه سال از آغاز اوستاشناسی در جهان و آشنایی زرتشتیان و دیگر ایرانیان با کتاب‌های کهنسال خود، هنوز چندان از پله نخست بالاتر نرفته‌ایم. کلنز نیز خود بر این باور است که برغم چهل سال تدریس و پژوهش در این رشته، حتی به ویژگی‌های اصلی مزدیسنا پی نبرده است.

چند یادداشت درباره این ترجمه

- ترجمه‌ای که در این کتاب از متن گاثای زرتشت عرضه شده است، بر اساس ترجمه‌ای است که پراڈز اکتور شروو- اوستاشناس مشهور نروژی- در سال ۲۰۰۷ میلادی از زبان اوستایی به انگلیسی انجام داده، و نیز ترجمه دیگری که همو در سال ۱۹۹۱ با همکاری هلموت هومباخ منتشر کرده است (بنگرید به پیشگفتار). این ترجمه‌ها جدیدترین و مستندترین گزارش گاثا است که با توجه به مجموع پژوهش‌های پیشین و مطالعات و یافته‌های جدید در زبان اوستایی انجام شده است.

- بخش‌های مختلف گاثا و حتی بندهای هر بخش، الزاماً ارتباط و پیوند محتوایی با یکدیگر ندارند و دنباله منطقی هم نیستند. این خصوصیت گاثا نشان می‌دهد که متن موجود گاثا، متن کامل آن نیست و به مرور زمان و یا احتمالاً در زمان تصرف‌های عصر ساسانی، بخش‌های کم یا زیادی از آن حذف شده و یا از بین رفته‌اند.

- والتر بنیامین بر این اعتقاد است که متون مقدس آمادگی شدیدی برای تحریف و دلخواه‌سازی دارند و برای جلوگیری از اینکار لازم است تا این متون بدون هیچگونه افزوده استنباطی یا کوشش برای قابل فهم کردن متن و صرفاً بصورت تحت‌اللفظی و حتی واژه به واژه ترجمه شوند. مترجمان با درک اهمیت این دیدگاه و نیز نمونه‌های تحریفات فراوانی که تاکنون در ترجمه گاثا به زبان فارسی صورت پذیرفته است (بنگرید به پیشگفتار)، کوشیده‌اند تا متن را با در نظر داشتن این دیدگاه ترجمه نمایند. از آنجا که متن اصلی گاثا، متنی بسیار دشوار فهم و به زبانی غامض و استعاری است و مترجمان نیز

گائای زرتشت

نخواستند استنباط خود از فهم عبارات را در ترجمه دخالت دهند، در نتیجه در بسیاری از جملات مفهوم دقیق و کامل متن دانسته نمی‌شود.

- چنانکه در پیشگفتار گفته شد، شرو و همچون ژان کلنز و بسیاری دیگر از اوستاشناسان معتقد است که زرتشت سراینده گائا نیست، بلکه اینها سروده‌های دستگاه‌های روحانیت مزدیسنا (و نه دین زرتشتی) در زمان‌های گوناگون است. به این دلیل شرو و در همه توضیحات زیر بندها از لفظ عام «روحانی» (Priest) برای سراینده گائا استفاده کرده است.

- شرو و در معنا و مفهوم واژه غامض و پیچیده اوستایی «آشه» نیز پیرو کلنز است و معنای آنرا مطابق با آن نظم و سامانی می‌داند که در سراسر کیهان و اجرام آسمانی جاری است و به زمین و زندگی مردمان نیز راه می‌یابد. او برای این مفهوم به اختصار از واژه «نظم» (Order) بهره برده که حتی آنرا در میان جمله نیز با حرف اول بزرگ نوشته است. ما به تبعیت از کلنز و برای فهم بیشتر آن در زبان فارسی از «نظم کیهانی» استفاده کرده‌ایم.

- شرو و همچون عده‌ای دیگر از اوستاشناسان و برخلاف کلنز که معتقد است پوروچیستا دختر زرتشت نیست و به معنای زنی است که مورد توجه اشخاص زیادی واقع می‌شود؛ بر این باور است که پوروچیستا دختر و همسر زرتشت است و این ازدواج به پیروی و تبعیت از ازدواج اهورامزدا با دخترش آرمیتی (سپندارمذ) انجام شده است.

- در متن اوستایی گائا، نام «اهوره‌مزدا/ اهورامزدا» بیشتر به شکل «مزداهوره» آمده است. در اینجا نیز شکل مزداهوره را در متن گائا و شکل اهورامزدا را در توضیحات بکار گرفته‌ایم.

گائای زرقشت

فصل یکم

آهونوئیتی گائا

یسنا، هات ۲۸

بند ۱

با دست‌های برافراشته در تجلیل از «او»، آن حامی من، از همه شمایان نخستین حالت الهام را درخواست می‌کنم. ای مزدا، ای که به واسطه نظم کیهانی تو/ من زندگی می‌بخشی. ای که به واسطه عمل من و به خاطر آن، به پندار راهنمایی‌کننده پندار نیک من و نفس روح ماده گاو به خوبی گوش فرا می‌دهی.

روحانی قربانی‌کننده گاو، با انجام مراسم قربانی «یسنا» به پیشگاه اهورامزدا، او و سایر شخصیت‌های الهی که همراهش هستند را پرستش می‌کند. روحانی از اهورامزدا می‌خواهد که این الهام را با نخستین الهام مقایسه کند. یعنی الهامی که اهورامزدا در اختیار داشت، هنگامی که اولین قربانی را انجام داد تا عالم را از هرج و مرج برهاند. او آرزو می‌کند که این الهام، پندارها و اعمال او را هدایت کند تا قربانی‌ای که بر اساس احکام اهورامزدا انجام پذیرفته، موفق باشد و به جهان نیرویی تازه بخشد. تا اهورامزدا آنرا به شایستگی قبول کند و بدان پاداش دهد.

گاو نماد حیواناتی است که اهورامزدا برای کمک و خدمت به انسان‌ها آفریده است. نفس روح گاو با سرودهای آیینی روحانی‌ای که مراسم قربانی را برگزار می‌کند، برابر است. این بند یادآور مقدمه یک نمایش است که در آن رضایت مخاطب طلبیده می‌شود.

گائای زرتشت

بند ۲

من خواستار طواف به دور همه شما هستم. ای مزداهوره، با پندار نیکی که نسبت به تو دارم، غنیمت هر دو عالم هستی را به من ارزانی بدار. آن عالمی که استخوان دارد و آن عالمی که پندار است. مطابق با نظم کیهانی، غنیمت‌هایی که هر کس می‌تواند به واسطه آنها حامیان خود را در آسایش قرار دهد.

روحانی این آرزو را ابراز می‌کند که اعمال مطابق با پندار نیک وی، به خدایان رسیده باشد و خدایان او را شایسته پاداش ببینند، هم در این جهان و هم در ورای این جهان. او قول می‌دهد که از این پاداش‌ها برای ایجاد آسایش (یعنی رهایی از رنج و غیره) در بین حامیان خود استفاده کند. و احتمالاً پاداش قربانی هر چه بهتر به درگاه خدایان را صرف شخص حمایتگری کند که مخارج قربانی ماده گاو را به عهده گرفته است.

بند ۳

من می‌خواهم همه شما را و نظم کیهانی را و پندار نیکی که قبلاً چیزی از خود نداشت را و همچنین مزداهوره را در تاروپود شاعرانه خود در هم بکنم. فروتنی‌ام برای همه شما افزون خواهد شد (هر دو نظم کیهانی؟) و فرمان ملوکانه شما* بی‌کم و کاست اطاعت خواهد شد. درخواست‌های مرا برای حمایت از من اجابت کن!

روحانی سپس آرزو می‌کند که شعر ستایش تازه سروده شده و تأثیرگذار وی که به شکل یک پرده منقوش اهورامزدا و کار وی را به تصویر می‌کشد، آنها را ترغیب کند که از وی حمایت کرده و به او کمک نمایند. با این نتیجه که آرمئیتی، الهه زمین و دختر و همراه اهورامزدا، دوباره تمامی چیزهای خوب که از زمین می‌آیند را بوجود آورد.

بند ۴

من که اکنون به نفس روح خود برای سرودم توجه می‌کنم، با پندار نیک خود در همان جایگاه یکسان، و به پاداش اعمالم، شناسنده اهوره‌مزدا هستم. تا آنجا

گائای زرتشت

که بتوانم و توانایی داشته باشم، به همان اندازه خواستار جستجوی دقیق در پی نظم کیهانی هستم.

او به تلاش خود ادامه می‌دهد که عالی بودن اعمال خود را به اهورامزدا بقبولاند: نَفَس وی، که به سرودهایش اجازه رسیدن به خدایان را می‌دهد. پندار وی، که بر این یک امر متمرکز شده است: که هر عملی بر اساس قوانین و قواعد اهورامزدا باشد. و او در ذهن خود به این می‌اندیشد که پاداشش چه خواهد بود.

بند ۵

آیا تو را به واسطه نظم کیهانی خواهم دید؟ نمی‌دانم(۴). می‌خواهم دو پندار نیک را بیابم، یکی برای خودم، و یکی به عنوان راهی به سوی اهوره که دارنده بیشترین نیروی زندگی‌بخشی است. من آماده گوش فرا دادن به سخنان مزدا هستم. تو که با آن پندار شاعرانه‌ات، بزرگترین هستی(۴). «باشد که موجودات اهریمنی را بر اساس طرز سخن گفتنشان^{*} تفکیک کنیم!».

روحانی نمی‌داند که آیا پندار نیکی که الهام‌بخش او برای یک عمل موفق باشد و یا اجازه دیدن اهورامزدا از طریق اعمالش را بدهد، خواهد یافت یا نه. بخصوص در فضاهاى آسمانی که توسط خورشید منور شده‌اند. او امیدوار است که آرزوی وی در گوش فرا دادن به سخن اهورامزدا گذری را بگشاید که از میان آن، زندگی‌بخش‌ترین آتش آسمانی از میان آسمان‌ها بگذرد. او در تمام این مدت برای شنیدن کلام‌ها و سرودهای ناهمسازی که دشمنان نیکی ایجاد کرده‌اند، گوش خوابانده است. (این بند و بند بعدی در هات ۳۳، بند ۵ بازتاب یافته است).

بند ۶

حال به خاطر پندار نیک من، با پندار نیک خود بیا! حال به خاطر نظم کیهانی من، با نظم کیهانی خود عمر طولانی را به من هدیه بده! با سخنان فراخ تو بود

گای زرتشت

ای مزدا که قدرت و حمایت به زرتشتِ ارزانی کردی. به ما نیز ای اهوره، حمایتی ارزانی کن که به واسطه آن بر دشمنی‌های آن کسی که با ما خصومت دارد، فائق آییم.

عبادت برای دریافت عمر طولانی به عنوان پاداش. عبادتی که به امید حمایت اهورامزدا از روحانی و سایر پرستشگران انجام می‌شود تا بلکه او پاداشی را اعطا کند که زمانی به زرتشت ارزانی کرده بود. تا بدینوسیله شاید نیروهای اهریمنی را در تنگنا قرار دهند. این اولین یادکرد از زرتشت و نقش وی و آماده‌سازی برای کل اسطوره‌ای است که در هات بعد می‌آید.

بند ۷

حال به خاطر نظم کیهانی من، آن پاداش را اعطا کن: پندار نیک را به من غنیمت بده. تو ای فروتن، ای که به ویشناسپ جان بخشیدی! اکنون تو به من نیز آنرا داده‌ای ای مزدا. فرمان بده ای مزدا، که هدایای سخاوتمندانان به ما داده شود. ما مشتاقیم که در باره آنها از طریق پندار شاعرانه‌ات بشنویم. پندار شاعرانه تو ای مزدا و آنهایی که با تو هستند.

فوران هیجان‌های بیشتر: درخواست پاداش برای پندار نیکی که موفقیت‌آمیز بودن قربانی را تضمین کرده است. اشاره به پاداش‌هایی که قربانی یسنا برای قهرمانان و روحانیان بزرگ گذشته، همچون ویشناسپ و دیگران، فراهم کرده بود. او چنین تصور می‌کند که هم اینک پاداشی برایش منظور شده است، و پرستشگران نیز منتظرند تا اهورامزدا به آنان بگوید که پاداش‌ها در راه رسیدن هستند.

بند ۸

تو ای بهترین، که تمایل به بهترین نظم کیهانی را داری. من بهترین‌ها را می‌خواهم. تو به عنوان اهوره و من به عنوان * برنده اینجا هستم و اکنون از تو می‌خواهم پاداش را به فرشتوشتره قهرمان و به من و به همه کسانی که از آنان [قربانی] دریافت می‌کنی، بدهی. برای تمامی طول عمر توأم با پندار نیک آنان.

گائای زرتشت

عبادت به منظور دریافت پاداشی که به پرستشگران داده می‌شود. همانگونه که به قهرمانان یا روحانیان پیشین، مثل فرשוستر و دیگران داده شده است. در مقابل، پرستشگران همه تلاش خود را برای حمایت از اهورامزدا و کار وی صورت خواهند داد.

بند ۹

باشد ای مزدا، که با این درخواست‌ها از تو، همه شما را و نظم کیهانی و پندار تو را خشمیگن نکنیم. ای بهترین، ما که جایگاه خود را که *انجام وظیفه در ستایش تو است، یافته‌ایم. شما یان همگی سریع‌ترین زندگی‌بخش‌ها هستید و فرمان بر نیروهای زندگی بخش از آن شماست.

روحانی در پایان این عبادت‌های آتشین به این نگرانی اشاره می‌کند که شاید درخواست پاداشی بیش از حد نموده است.

بند ۱۰

پس آنانی که تو می‌دانی پیرو نظم کیهانی و پندار نیک هستند و قوانین برقرار شده بر اساس الگوها را رعایت می‌کنند، من برای آنان، ای مزدا، ای اهوره، رسیدن به آرزوهایشان را درخواست می‌کنم. بنابر این من می‌دانم که تمامی این سرودها برای تو شهرتی *سرشار از نیروی زندگی‌بخشی می‌آورد. برای همه شما یان که پیروزی و ارابه‌های اسب‌دار خود را دارید.

این سرودها با اسب‌هایی مقایسه شده‌اند که ارابه‌ها را در مسابقه و از میان فضاهای آسمانی می‌کشند و با ارابه‌های سایر قربانی‌کنندگان به رقابت می‌پردازند.

بند ۱۱

تو که با یاری این سرودها، مردان را و نظم کیهانی و پندار نیک را برای مدت یک عمر زندگی محافظت می‌کنی. تو به من بیاموز ای مزدا، ای اهوره، تا مطابق

گائای زرتشت

با الهام تو سخن بگویم. با دهان تو، واژگانی که با آنها همیشه آفرینش نخستین در اینجا باشد.

روحانی در پایان این عبادت‌های مقدماتی از اهورامزدا درخواست راهنمایی‌هایی می‌کند که قربانی‌ی سنا را به چه ترتیبی انجام دهد که نیروهای روشنایی و نیکی را بر نیروهای اهریمنی و تاریکی پیروز گرداند و حالت اصلی (اولیه) جهان را بازسازی کند. به همان صورتی که اهورامزدا در آغاز آنها را آفریده بود.

یسنا، هات ۲۹

بند ۱

گماردن زرتشت به عنوان اولین انسان قربانی کننده

به نزد شما ای خدایان، نفس روح گاو ماده شکایت می کند که: "برای چه کسی کالبد مرا شکل دادی؟ چه کسی مرا آفرید؟ خشم و خشونت و ممانعت مرا در بند نگه داشته است. همچنین غل و زنجیر و ستم. من هیچ چوپانی به جز شما خدایان ندارم. پس بر من نمایان شوید با یک علوفه دهنده خوب!"

ماده گاو نزد خدایان شکایت می کند که توسط نیروهای اهریمنی شکنجه شده است. او که هیچ پشتیبانی بجز خدایان ندارد، یک قیم زمینی را از آنان درخواست می کند.

بند ۲

سپس آفریننده گاو از نظم کیهانی می پرسد: "الگوی تو برای گاو چگونه بود آن هنگام که شما خدایان در مسند قدرت بودید و او را به همراه چراگاهش به عنوان یک فعالیت تغذیه گاو ایجاد کردید؟ همه شما می خواهید که چه کسی اهوره او باشد؟ کسی که عقب نشینی کند همراه با آنانی که تحت سیطره دروغ، صاحب خشم شده اند؟"

آفریننده گاو سؤال را به مافوق خود که نظم کیهانی است، منتقل می کند: الگو و نمونه آسمانی گاو چه بود؟ آن هنگام که او و چراگاهش با نظم نوین

گائای زرتشت

جهان مطابق بود و نیروهای اهریمنی در نقطه مقابل آسمانی و پس از اولین حمله، او و چراگاهش را هدف قرار دادند؟

بند ۳

او که بر هم زنده اتحادهای (؟) نظم کیهانی نبود و با گاو دشمنی ندارد، پاسخ می‌دهد: "در میان آن چیزهایی که آنجاست، چیزی پیدا نمی‌شود که توانگران را به سمت نیازمندان سوق بدهد. او نیرومندترین همه موجودات است و من بایستی به خواست او بیایم، حتی اگر ناتوان و ضعیف باشم."

نظم کیهانی (؟) پاسخ می‌دهد که در حال حاضر در دنیای گاو چیزی وجود ندارد که موجب شود آنانی که قدرت و امکانات دارند، از آنانی که ندارند، حمایت کنند. فقیران هر چند که عاجز باشند، باید به نظم کیهانی توکل داشته باشند.

بند ۴

مزدا کسی است که * سرودها را به بهترین وجه به خاطر می‌سپارد. برای آنانی که از هر زمانی تا زمان حال با خدایان و مردمان پیشین زیسته‌اند. همچنین آنانی که در هر زمانی از اکنون به بعد خواهند زیست. او اهوره کسی است که بین آنان تمیز قایل می‌شود (= بر آنها قضاوت می‌کند). برای ما نیز باید چنان باشد که او می‌خواهد!

گوینده (؟) نظر اهورامزدا را ابراز می‌کند: او، همانگونه که از نامش مزدا به معنای «کسی که همه چیز را در ذهن دارد» بر می‌آید، نشان می‌دهد کسی است که تمامی آنچه انسان‌ها گفته‌اند را به خاطر دارد، و از آنجا که او کسی است که مقام و قضاوت برتر را دارد، اوست که تصمیم نهایی را می‌گیرد. همانگونه که معنای نامش اهورا این را نشان می‌دهد.

بند ۵

پس با دستانی برافراشته * بسوی همه شما، ما دو نفر به عنوان دوستان اهوره در آنجا بودیم، نفس روح من و گاو شیرده. هنگامی که پرسش‌های خود را به

گائای زرتشت

مزدا عرضه کردیم: "آیا برای کسی که زندگی درستی دارد، راهی وجود ندارد که زندگی خود را *بهبود بخشد یا برای رمه‌های گاوی که در میان کسانی هستند که تحت سیطرهٔ دروغ هستند؟"

روحانی و گاو، که نمایندگان تمامی موجودات زنده هستند، از اهورامزدا می‌پرسند که چگونه زندگی خود را در قبال مصیبت‌های پیش روی بهبود بخشند (بنگرید به هات ۵۳، بند ۹).

بند ۶

پس او، اهوره‌مزدا، کسی که تارها را از روی *بافت آنها می‌شناسد، گفته است: "نه در طول این یک دوره حیات و نه مطابق با نظم کیهانی الگویی پیدا نشده است. چرا که نجار شما را به عنوان رمةٔ گاو و علوفه‌دهنده ساخته است."

اهورامزدا، کسی که تمامی ترتیبات خرد و کلان گیتی را می‌داند، سؤالات آفرینندهٔ گاو را تقریباً با لب‌خوانی پاسخ می‌دهد: در نظم اول جهان، هیچ نمونهٔ آسمانی برای گاو وجود نداشت. بر عکس، ایده این بود که گاو توسط مالکان انسانی خود تحت مراقبت قرار گیرد.

بند ۷

اهوره، که تمایل به نظم کیهانی دارد، آن پندار شاعرانه را به صورتی ایجاد کرد که برای شیر گاو و چکیدن چربی از آن باشد. او، مزدا، او با فرمان و مشیت خود برای بی‌چربی‌ها زندگی‌بخش است. "تو چه کسی را داری (ای آفرینندهٔ گاو؟)، چه کسی باید با پندار نیک خود آنها را به مردنی‌بودن تنزل دهد؟"

اهورامزدا (یا آتش آسمانی/ قربانی؟) اجزا و عناصر قربانی را فراهم کرده است. به هر حال، این اجزا که شامل تکلم هستند، هنگامی که به درستی به کار گرفته شود، چیزهای نیکی را در جهان بشر تضمین خواهد کرد. پس آنها باید به روی زمین پایین آورده شوند و اهورامزدا می‌پرسد چه کسی می‌تواند این کار را به انجام برساند.

گائای زرتشت

بند ۸

"این کسی است که من پیدا کرده‌ام. کسی که به تنهایی به فرمان‌ها و مشیت‌های ما گوش فرا می‌دهد، زرتشتِ سَپیتَمَه. او آرزو می‌کند، ای مزدا، که ما و نظم کیهانی، سرودهای پرستش را بشنویم.* امیدوارم که (؟) من (به عنوان) نَفَسِ نیک، دارای اختیار اندام کلامی وی باشم."

کسی پاسخ می‌دهد که زرتشت سپیتمان آماده است که اشیای مقدس (ساغره‌های پیشکشی و اشعار ستایشی) را به زمین بیاورد و آنها را به هنگام قربانی پیشکش خدایان نماید. به شرط آنکه کسی به او در اجرای برنامه کلامی کمک کند.

بند ۹

بدینسان وعده داده شد. نَفَسِ رُوحِ گاو سوگوارانه گفت: "آیا من کسی* هستم که باید صدای شخص ناتوانی را به* خواست (داوران؟) بپذیرم؟ صدای انسانی بدون نیروی زندگی بخشی. من آرزو دارم که او در اینجا و هم اکنون از طریق ماده زندگی بخش خود فرمان دهد. او که بایستی با دستان خود به وی کمک کند، در چه زمانی آنجا خواهد بود؟

گاو راضی نشده است و شکایت می‌کند که زرتشت بسیار ضعیف است و نیاز به کمک دارد (بنگرید به هات ۲۹، بند ۱ و ۲).

بند ۱۰

شما همه، ای اهوره، اکنون باید با نظم کیهانی خود، برای این انسان‌ها و خودتان (؟) قدرت اعطا کنید. به واسطه فرمان شما و به حساب پندار نیک من، از دور فرمان بدهید، فرمانی که به موجب آن مسکن خوب و آرامش برقرار شود. اکنون من به سهم خویش شما را، ای مزدا، اولین یابنده این پندار نیک/ وجود نیک می‌دانم.

گائای زرتشت

روحانی باز می‌گردد: اکنون مراسم در آستانه اجرا است و وقتی که با موفقیت انجام شد، اهورامزدا به پرستشگران خود پاداشی با کامیابی خواهد داد.

بند ۱۱

نظم کیهانی و فرمان و پندار نیک کجا هستند؟ مرا به *یاد آورید، ای مزدا، ای خدایان! با علم غیب مرا بپذیرید. مرا ای مزدا، ای خدایان، برای مبادله هدیه‌ای بزرگ، ای اهوره! با علم غیب، هدیه‌ای در شأن همه شما توسط ما پیشکش شده است. حال به اینجا نزد ما بیا.

پرسش بیانی (پرسشی که نه برای پرسیدن، که برای بیان چیزی باشد. م.):
قربانی‌ای (یسنایی) که دارای نظم کیهانی کافی و شاعری که دارای پندار نیک کافی به منظور ارائه فرمان به اهورامزدا باشد، کجاست؟ پاسخ: هیچ نیست، بجز این که در حال انجام است. ای اهورامزدا، تو که دانای مطلق و نتیجه را از قبل می‌دانی، پس بدون رنج بیشتر، مرا برای مبادله هدایا بپذیر. پیشکشی‌های قربانی- ساغره‌های پیشکشی و اشعار ستایشی- برای خدایان و کامیابی برای پرستشگران. پس باشد که اکنون خدایان به قربانگاه فرود آیند تا هدایای خود را بیاورند و هدایای ما را دریافت کنند.

سنا، هات ۳۰

بند ۱

دوالهام

بنابر این، من باید سخن بگویم. ای تویی که می‌خواهی بیایی. آن واژه‌هایی که حتی یک فرد دانا باید به آنها توجه کند: ای هشیاران، اجراهای آیینی و پرستش‌های پندار نیک من برای اهوره و برای نظم کیهانی صورت پذیرفتند. که اکنون به حساب آن و از طریق روشنایی‌ها، می‌توان چیزهای مسرورکننده را دید.

در حالیکه تو در راه هستی، حال من بایستی آنچه از اسرار هستی می‌دانم را به تو بگویم و در نتیجه به تو نشان دهم که در واقع مستحق پادشاهی تو هستم. که در واقع می‌توانم هم‌اکنون در لحظه‌ای ببینم: بازگشت سپیده‌دم و روشنایی روز را.

بند ۲

گوش فرا دهید همه شما. همه شما با گوش‌هایتان توجه کنید به بهترین بیانات! از میان این شعله با پندارتان^{*} تفاوت‌های تمیز (= قضاوت) را که هر انسان تک‌به‌تک برای بدن خود صورت داده است، پیش از استماع بزرگ، چرا که تمیز بین آنها در مقابل به ما اعلام می‌شود وقتی که شما تمیز ما را درک کنید.

گشای زرتشت

از طریق آتش بر پا شده در مراسم قربانی ما، فقط به واژه‌های ما گوش فرا دهید و اقدامات ما را تماشا کنید. خواهید دید که ما انتخاب‌های درستی انجام داده‌ایم که ما را مستحق مشارکت در مبادله هدایا می‌نمایند.

بند ۳

بنابر این، در ابتدا آن دو الهام که به صورت «خواب دو گانه» و گفتارها و پندارهای دو گانه معروف شده‌اند، آنها اعمال دو گانه هستند: خوب و بد. و بین آن دو، آنانی که هدایای خوب می‌دهند (با: چیزهای خوب بوجود می‌آورند) به درستی تمیز داده شده‌اند، نه آنها که هدایای بد می‌دهند.

در اینجا روحانی با بازگویی اسطوره دو «الهام» که به صورت نیروی بالقوه در خواب پندار، گفتار، و عمل نیک و بد که هر فرد باید با آن مواجه شده، درک کند و بین آنها انتخاب کند، اهمیت و بایستگی «انتخاب» را به اهورامزدا توضیح می‌دهد.

بند ۴

بنابر این، همچنین: هر گاه دو الهام در کنار هم قرار گیرند، فرد برای اولین بار، هم زندگی برای نیکی و فقدان بقا برای بدی و اینکه در پایان چگونه خواهند بود را دریافت می‌کند: بدترین وجود آن است که تحت سیطره دروغ باشد. اما برای محافظ نظم کیهانی، بهترین پندار خواهد بود.

با انتخاب بین این دو امکان بالقوه، فرد چگونگی وجود را تعیین می‌کند. پیروان دروغ با قربانی خود، تاریکی، مرگ و ویرانی را خلق خواهند کرد، و این سرنوشت آنها در ورای آن نیز خواهد بود. پیرو نظم کیهانی، که پندار نیک خود را مستقر می‌سازد، قربانی موفق را انجام میدهد و بدین وسیله بهترین پندار را که پندار اهورامزدا باشد، بدست می‌آورد و به حضور او پذیرفته می‌شود.

گشای زرتشت

بند ۵

در انتخاب بین این دو الهام، شما که تحت سیطره دروغ هستید، بدترین گفتار/ کردار را بوجود خواهید آورد. زندگی‌بخش‌ترین الهام، که در سخت‌ترین صخره‌ها مستور شده است، برقراری نظم کیهانی را انتخاب می‌کند و هر کسی که با اعمال راستین خود به اهوره نیکی کند، او، مزدا،* مکرر و مکرر.

انتخاب درست، انتخاب الهام نیک است که به معنی اعلام پیروی فرد از اهورامزدا است. بر اساس اسطوره، الهام نیک در اصل بایستی با تلاش بسیار از دل صخره بیرون کشیده شود (هر شاعری می‌داند که بدست آوردن آن چقدر دشوار است).

بند ۶

به ویژه خدایان کهن بطور مستقیم بین این دو تمیز قائل نمی‌شدند. چرا که با پرسیدن آنان از یکدیگر، فریب بر آنان چیره می‌گردد. پس آنان بدترین پندار را بر می‌گزیدند. بنابر این، آنان با تلاش بسیار با یکدیگر به خشم روی می‌آوردند، که با آن فانی‌ها وجود را بیمار می‌کنند.

در انتخاب اصلی، خدایان کهن انتخاب اشتباهی داشتند و انسان‌هایی که از آنها تبعیت می‌کنند، فقط وجود را بیمار می‌کنند و نیازمند پزشک می‌سازند (بنگرید به بند ۱۹ هات ۳۱).

بند ۷

مشارکت شاعر-قربانی‌کننده در احیای دوباره کیهان

اما برای این یکی، او با فرمان و نظم کیهانی به حساب پندار نیک خود می‌آید. بنابر این* هم‌پیوند بودن، بافتی به او شکل می‌دهد، فروتنی نفسی می‌کشد (می‌گوید): "از میان این پادشاه‌ها، آنجا برای تو خواهد بود. آنجا بر اساس آنچه تو از آنان درخواست کنی، اگر در ابتدای صف باشی، به حساب* تکالیف(۴) تو".

گائای زرتشت

اما پرستشگر اهورامزدا، در نتیجهٔ به حد کمال بودن قربانی خود، فرمان لازم برای غلبه بر اهریمن را بدست می‌آورد. وقتی اهورامزدا بر عملکردهای تمامی پرستشگران قضاوت می‌کند، پرستشگر ما برنده خواهد بود.

بند ۸

و همچنین، وقتی کیفر برای این گناهان فرا می‌رسد: سپس ای مزدا، او باید دائماً فرمان را به تو عرضه کند، توسط پندار نیک خود و برای تو تا آنرا اعلام کنی به اینها. ای اهوره، کسی که دروغ را در دستان نظم کیهانی قرار دهد.

پرستشگر ما نیز قضاوت بر آنانی را که گناه می‌کنند با تظاهر به اینکه قربانی آنان بهترین است، به اهورامزدا واگذار می‌کند، و اهورامزدا وظیفه غلبه بر اهریمن را به دوش پرستشگران خود می‌نهد.

بند ۹

و همچنین: باشد که ما انسان‌هایی (از آنانی؟) باشیم که باید آنرا پر برکت سازیم، این وجود را. ای مزدا و شما(؟)، اهوره‌ها، اینجا از طریق آوردن... (؟) و از طریق نظم کیهانی ما. وقتی پندارهای شخص در یک جا و همان جایی باشد که درک آن شخص در ابتدا به گونه‌ای باشد، و سپس به گونه‌ای دیگر.

پس باشد که ما پرستشگران شما باشیم. شما که بایستی جهان را با جوهره‌های زندگی‌بخش پُر کنید. وقتی که ما دریافتیم جنبه‌های در حال تغییر این جهان فقط در ظاهر هستند و حقیقت تنها یکی است.

بند ۱۰

مسابقه‌ارابه‌ها

چرا که در آن زمان به سوی شما فرود خواهد آمد، ای اهریمنان. فرو نشانده شدن *وَرَمَ* دروغ. اما سریع‌ترین پیغام‌رسانان باید سپس به سوی مسکن نیک پندار نیک کشانده شوند، (مسکن) مزدا و نظم کیهانی، که سایرین را در مسابقه برای شهرت نیک در پشت سر خود رها کنند.

گائای زرتشت

و وقتی که جهان سرشار از جوهره‌های زندگی‌بخش گردید، ورم ظاهری دروغ فرو می‌نشیند. سپس، قربانی (یسنای) ما با پیشکشی‌ها و سروده‌های ستایش خود، به سوی اهورامزدا به مسابقه خواهد پرداخت. تمامی آن‌های دیگری را نیز که در این مسیر هستند، پشت سر خواهد گذاشت. و ما آنانی خواهیم بود که به خاطر کمک به اهورامزدا در نبرد او علیه اهریمن، علیه تاریکی و بیماری مفتخر خواهیم شد.

بند ۱۱

برندگان و بازندگان: پاداش‌ها

چون اکنون تو بر رفتارهایی که مزدا با تو دارد،* تسلط داری، ای فانی‌ها: (یعنی در باره) هر دو نیکی موجود و غیر موجود و آنچه آزار پایدار برای آنانی است که تحت سیطره دروغ هستند و آنچه نیروهای زندگی‌بخش برای محافظان نظم کیهانی است. بنابر این، از این به بعد با آن رفتارها بایستی چیزهایی که آرزویشان را داشته‌اید، برای شما باشد. پاداش برای دانش، در باره اسرار هستی ...

روحانی با سایر پرستشگران سخن می‌گوید: شما مردمان واقعی اهورامزدا هستید. آنانی که بر اساس پیمان (توافق دو جانبه) با او رفتار می‌کنند. آن کس که چیزهای نیک را برای مؤمنین تعیین می‌کند، و لیک بدی را برای آنانی که ایمان نیاورده‌اند. پس باید آنچه را که خواستارش بودید، به شما اعطا شود (بنگرید به هات ۵۱، بند ۸ و ۹).

سنا، هات ۳۱

بند ۶

برای او باید بهترین باشد. آنکه با دانستن اینکه باید پندار شاعرانه واقعی را به من بگوید. آنچه او گفته، تمامیت نظم کیهانی و جاودانگی است. باید در آنجا برای مزدا فرمان دور (= بر چیزهای دور) باشد. که باید برای وی توسط پندار نیک من بروید.

وقتی که آگاه شدیم در مقابل ما، پرستشگران شما، باید به اهورامزدا بهترین چیزی که می‌توانیم را بدهیم. تا او بتواند با تاریکی و مرگ در مقیاس جهانی نبرد کند و نور و زندگی را بوجد آورد.

بند ۷

او که اولین کسی بود که آن پندارها به فکرش خطور کند: "فضاهای خالی با نورها درهم می‌آمیزند." بواسطه پندار راهنمای او بود که او، ارباب شبکه، به نظم کیهانی اندیشید که توسط آن او بهترین پندار را بر پا نگه می‌دارد. با آن الهام تو رشد می‌کنی، ای مزدا. کسی که هنوز اینجاست و اکنون نیز چنین است، ای اهوره.

این اهورامزدا بود که در ابتدا با عمل ذهنی، فضاهای آسمانی را مملو از نور بوجود آورد. او جهان را به صورت یک شبکه هماهنگ روابط جسمانی و روحانی ایجاد کرد. پندار نیک به صورت آسمان عمل می‌کند، اگر چه او در آغاز آنجا بود. اهورامزدا هنوز همانگونه است: برای ابد جوان، و همان عمل ذهنی (که اکنون توسط ما صورت می‌گیرد) است که موجب رشد او و فعالیتش می‌شود.

گائای زرتشت

بند ۸

پس اکنون من با پندار خود به تو به عنوان اولین فکر می‌کنم، ای مزدا. که هنوز جوان هستی، پدر پندار نیک. از زمانی که من در چشم خود به تو به عنوان اولین ارباب شبکهٔ نظم کیهانی چنگ زدم و تو را در حال انجام اقدامات این حالت اهوره دیده‌ام.

و من نیز همینگونه در باره تو، اهورامزدا، می‌اندیشم: «مزد» چرا که تو الگوی پندار نیک هستی و «اهورا» چرا که تو فرمان اقدامات نیک را در جهان می‌دهی.

بند ۹

آرمئیتی با تو بود. الهام پندار راهنمای بزرگ در آنجا به شکل(؟) آفرینندهٔ گاو متعلق به شما بود، ای مزداهوره. وقتی که شما حق انتخاب راه‌ها را به او می‌دادید: آمدن نزد علوفه‌دهنده یا به سوی او که برایش علوفه‌دهنده نخواهد بود.

آرمئیتی که از طریق اقدامات وی، زمین هر چیزی را زندگی‌بخش بوجود می‌آورد، به تو تعلق داشت. و از طریق تو بود که به گاو امکان انتخاب فردی داده شد که به او غذا بدهد.

بند ۱۶

من از تو درباره چیزی دور می‌پرسم: او چگونه سخاوتمندی خواهد بود که برای پیشبرد فرمان خانه یا سکوتگاه یا زمین از طریق نظم کیهانی تلاش خواهد کرد، وقتی که او باید آنجا باشد، کسی مانند تو، ای مزداهوره، و او با چه اقداماتی خواهد آمد؟

چه زمان یک ولی‌نعمت زمینی خواهد آمد، کسی به سخاوتمندی و نیکوکاری خود اهورامزدا؟

گشای زرتشت

بند ۱۷

چه محافظ نظم کیهانی یا آنکه تحت سیطره دروغ است، اجازه خواهند داشت برای خود بخش بیشتری از پاداش را تصاحب کنند. بگذار آنکه می‌داند به آنکه اکنون نیز می‌داند بگوید! باشد تا هیچکس که نمی‌داند، به فریب ما ادامه ندهد (ما را فریبکار نخواند؟) زین پس! باش، ای مزداهوره، شروع‌کننده پندار نیک ما!

بگذار اهورامزدا به پیرو خود بگوید (اگر چه او اکنون نیز می‌داند)، پاداش‌ها برای نیکی و بدی، به ترتیب، چه خواهند بود. به غیرمؤمنان اجازه ندهید سعی کنند به ما چیز دیگری بگویند!

ای اهورامزدا، پندار نیک ما را الهام ببخش. یعنی چگونه باید قربانی یسنا را اجرا کنیم و در کل به صورتی رفتار کنیم که مورد رضایت تو باشد.

بند ۱۸

اما به هیچکس اجازه نده که در میان شما به گوش‌دادن به پندارهای غیرشاعرانه و فرمان‌های آنکه تحت سیطره دروغ است، ادامه دهد! چرا که او خانه یا منزل یا سکونتگاه یا زمین را در منزل گاهی بد و ویرانی قرار داده است. همه شما درسی را به آنها یاد دهید. پس: با یک دم!

باشد که اهورامزدا و همراهان وی به سرودها و قربانی (یسنای) غیرمؤمنان توجه نکنند. چرا که هدف آنان تنها ویران کردن آسایش و چراگاه است. بر عکس: به آنان درسی بدهید!

بند ۱۹

او که اول به نظم کیهانی اندیشید، اکنون به کلام (?) من گوش داده است. یعنی تو، دانا، درمانگر این وجود. ای اهوره، من که به خواست خود، برای خروج کلام درست به فرمان زبان تو هستم، تو از طریق آتش تابناک خود، ای مزدا، استواری را در پاهای من در مسابقه برای شهرت نیک عطا کن.

گشای زرتشت

اهورامزدا، کسی که اولین ایجادکننده نظم کیهانی توسط قربانی در جهان پندار بود، اکنون عملکرد مرا مورد موشکافی قرار داده و چنین تصمیم گرفته است که این تکرار کاملی از عملکرد آغازین است. و در واقع در خدمت درمان و جوان‌سازی دوباره این وضعیت هستی خواهد بود. خصوصاً بازگرداندن روز و خورشید. در مسابقه آیینی کسب تأیید اهورامزدا- و در نتیجه، شهرت نیک به عنوان قربانی‌کننده حرفه‌ای- زبان وی (یعنی زبان ارباب‌ران) کاملاً تحت فرمان است و جایگاه او بر روی ارباب کاملاً با ثبات است (او تعادل خود را از دست نداده و نخواهد افتاد).

بند ۲۰

هر کسی که نزد محافظ نظم کیهانی * بیاید، در آینده، شهرت * درخشان از آن او خواهد بود. سوگواری، دوره زندگی طولانی تاریک، غذای بد، تنها واژه تو واژه «افسوس!»، روح- بینایی تو، همه شما را به آن وجود راهبری خواهد کرد. ای شما که تحت سیطره دروغ هستید، به حساب اقدامات خود شما.

هر کس پیرو اهورامزدا شود، با خوشبختی و شهرت درخشان پاداش خواهد یافت. غیرمؤمنان توسط پندارها، کلام، و اعمال خود به سوی غم تیره و رنج تنزل خواهند یافت.

بند ۲۱

اهورامزدا می‌دهد. از میان تمامیت و ابدیت بسنده خود و نظم کیهانی، و از درون اتحاد خود با فرمان، که آیندگان نیک را بوجود می‌آورد، * فربهی پندار نیک خود به آنکس که با رفتارهای وی با الهام و اقدامات وی از او اطاعت کند.

اهورامزدا با فقدان بیماری و مرگ بی‌موقع، و همچنین نوادگان و تمامی انواع موفقیت‌ها، به پیروان خود پاداش می‌دهد.

بند ۲۲

گائای زرتشت

آنان برای دهنده هدایای نیک که توسط *تلاش خود و توسط چیزهای نیک وی می‌یابد، درخشان هستند. او اینجا و اکنون هست. به فرمان وی، نظم کیهانی *تحکیم‌بخش، توسط گفتار و اقدام وی. او در آنجا، ای مزداهوره، نیروبخش‌ترین مهمان تو خواهد بود. ...

اهورامزدا در مقابل، هدایایی به پیروان خود عطا میکند. قربانی‌کننده بهترین هدایای خود را به اهورامزدا داده است (ساغره‌های پیشکشی، سرودها و غیره). حال قربانی‌کننده با قربانی یسنای کامل خود به پیشگاه اهورامزدا در برقراری مجدد نظم کیهانی در جهان کمک می‌کند. پس بگذار بیاید و تو را ببیند. او مهمانی خواهد بود که هر اندازه به مهمانت بدهی، او به تو خواهد داد.

یسنا، هات ۳۳

بند ۵

مسابقه وقضاوت

من که می‌باید موجب آمادگی تو برای گوش فرادادن شوم، بزرگترین همه، در لجام گسیختگی، با کسب زندگی طولانی، با کسب فرمان بر پندار نیک، و راه‌های مستقیم به سوی نظم کیهانی به آنهایی که مزدا، اهوره، در بین آنها طی طریق می‌کند.

من از الگوی تو پیروی میکنم، ای اهورامزدا، و بنابر این قربانی من مستقیماً به آسمان به نزد تو می‌آید. وقتی که مسابقه انجام شد و من در حضور تو هستم، باید به تو گوش فرا دهم.

بند ۶

او آنجاست، تقدیم کننده شراب به تو که بر اساس نظم کیهانی از مراسم مذهبی خود مطمئن است. آن کس که اجرا می‌کند، بر اثر این بهترین الهام، اعمال^{*} مطلوب دوری که اهوره‌مزدا(۵) با پندار اولین خود پنداشت پیش از آنها توسط خوراک‌دهنده اجرا می‌گردند. آنها چیزهایی هستند که انتظار آنها می‌رود(۶)، ای اهوره‌مزدا، از دیدن تو و گفتگو با تو.

با دنبال کردن دستورات اهورامزدا، من باید بتوانم اعمالی را که موجب برقراری مجدد اولین وضعیت هستی می‌شود، به همان صورتی که توسط او ایجاد شد، دوباره برقرار کنم.

بند ۷

گشای زرتشت

از من بهترین بیان‌هایم را بخواه، ای مزدا و شما دیگران، از من بیاناتی را بخواهید که هم فرمان(؟) خود را در بر* داشته باشند و هم از طریق نظم کیهانی قربانی من و توسط پندار نیک من با قدرت بیان شوند، که توسط آن من در همین لحظه در پیشگاه ارباب مبادله هدایا شنیده شوم. بگذارید در بین ما هدایای درخشان با اظهار بندگی پدیدار شوند.

من آماده اجرای فرمانم هستم. در واقع من اکنون در حال اجرا هستم، پس بگذارید پاداش‌ها پدیدار شوند: خورشید با نور، حاصلخیزی و فراوانی خود برای زمین.

بند ۸

به من آگاهی دهید، همه شما، در باره آن چیزهایی که باید به دست آورده شوند. من باید توسط پندار نیک خود حرکت داده شوم، در باره قربانی، و همچنین ای مزدا، در باره آن که مثل همه شما است یا غیر از آن، توسط نظم کیهانی من، واژگان ستایش. تمامی این چیزها برای شما ترتیب داده شده‌اند، و همچنین ابدیت و تمامیت* هم پیوندی- بافتی: کیک قربانی.

همواره به من بگویید چه می‌خواهید، و من آنچه را برای احیای وجود نیاز دارید فراهم خواهم کرد!

بند ۹

پس بگذارید آن(؟) بیاورد برای شما، ای مزدا، الهامی برای جوان‌سازی دوباره آن دو* نوده که موجب* رشد نظم کیهانی می‌شوند. بگذارید تغییر خلاق راحتی‌های* همیشه متغیر را از طریق بهترین پندار شما بوجود آورد. *توالی این دو به حرکت در آمده‌اند. * راهنمایی(؟) کسی که روح- نفس‌ها در همین لحظه از آن پیروی می‌کنند.

گائای زرتشت

بگذار قربانی من الهامی که برای خلق دوبارهٔ حالت نظم‌دار هستی نیاز دارید را فراهم کند: آسمان و زمین و چرخ گردون و بخش‌بندی‌های زمانی(؟)، که روح‌های ما در راه خود به سوی تو آنرا دنبال می‌کنند.

بند ۱۰

تمامی * بهره‌های خوب شما- یعنی، هر دوی آنهایی که بوده‌اند و آنهایی که هستند، و آنهایی، ای مزدا، که در فرایند شدن هستند- آنها را اکنون سهم خود ساز، آنها را در جهت تمایل خود ساز! به رشد جسم با آرزوی از طریق پندار نیک من ادامه بده، از طریق فرمان من/ تو و نظم کیهانی!

حال منافع قربانی من را درو کن، ای اهورامزدا!

بند ۱۱

شما، کسانی که بزرگترین قدرت زندگی‌بخش را دارید، کسانی که اهورا و مزدا هستید، و شما که فروتنی هستید و شما که نظم کیهانی هستید، که چوپانان را به پیش می‌برد. همه شما گوش فرا دهید به پندار نیک من و فرمان دهید! در مقابل برای هر ارائهٔ من بخشاینده باشید!

همه شما موجودات الهی گوش فرا دهید: اهورامزدا، هم اهورا، حاکم بزرگ و هم مزدا، یادآور تمامی چیزهای گذشته، آرمئیتی، نابغه زمین، و نظم کیهانی که جنبه مرئی آن خورشید و آسمان روشن است، به سرودهای روحانی کامل من گوش دهید و به فرمان کل ایجاد شده برای شما توسط قربانی من توجه کنید. در مقابل، با بخشندگی عملکرد من را مورد قضاوت قرار دهید.

بند ۱۲

حال در برابر من بپاخیز ای اهورا! از طریق فروتنی من/ تو قدرت بگیر! توسط زندگی‌بخش‌ترین الهام من/ تو، ای مزدا، سرعت را از طریق ارائهٔ نیک من دریافت کن، قدرت قاهر نیرومند را از طریق نظم مراسم دینی من، قدرت * خلاق را از طریق پندار نیک من.

گشای زرتشت

حال بپاخیز، آتش/ آتش آسمانی= خورشید! حیات و قدرت را از طریق حاصلخیزی زمین دریافت کن! با الهام و قربانی من، تو، اهورامزدا، حال می‌توانی تمامی آنچه برای جوان‌سازی دوباره جهان لازم است را بدست آوری.

بند ۱۳

حال تو باید به من نشان دهی، برای حمایت، برای خورشید دورنگر، پایایی که توسط آن من * عبور کنم به سوی تو. از طریق آن مسیر(؟) فرمان من/ تو، ای اهورا، که از طریق آن، پاداش (= برای) پندار نیک من باید برسد، عرضه کن، ای فروتنی، روح- دید ما را از طریق نظم کیهانی حیات بخش!

گذرگاه خورشید را بگشا. روح- نفس من از طریق این گذر قربانی مرا نزد تو می‌آورد، که توسط دینای من هدایت شده، و از طریق این گذر، پاداش‌های من برای قربانی من به نزد ما پایین می‌آیند.

بند ۱۴

بنابر این، زرتشت‌ره به عنوان هدیه، نفس زندگی چیزی که کمتر از بدن خود وی نباشد را به عنوان مقدم‌ترین سهم در قربانی وی و هدیه پندار نیک وی به مزدا می‌دهد، و همچنین آنچه مقدم‌ترین سهم اقدام وی است از طریق نظم کیهانی و بیان خود: آمادگی وی برای گوش فرا دادن و فرمان ایجاد شده توسط قربانی وی. قربانی در حال کامل شدن است: زرتشت خود را قربانی می‌کند تا ماده ساختمانی جهان نو در سپیده نو را برای اهورامزدا فراهم کند.

یسنا، هات ۳۴

بند ۱

پیروزی و زمان پرداخت

این عمل خطابه و قربانی که حال از طریق آن نامیرایی و همچنین نظم کیهانی را برای خود بدست می‌آوری، ای مزدا، و فرمان تمامیت مقدم‌ترین سهم آنها به تو داده می‌شود، ای اهورا، توسط ما که در بیشترین تعداد در اینجا گرد آمده‌ایم.

قربانی انجام شده توسط تمامی ایمان آوردندگان عناصر لازم برای جوان‌سازی دوباره جهان را برای اهورامزدا فراهم می‌کند.

بند ۲

و بنابر این از طریق پندار ما(؟)، آنها به تو داده شده‌اند، تمامی این چیزها/بیانات و الهام نیک، و همچنین اعمال انسان زندگی‌بخش، که روح-نفس وی در همین لحظه با نظم کیهانی در سرود روحانی که در سرتاسر جهان موجودات زنده به سمت کسی مثل همه شما با آوازهایی حاوی ستایش‌ها می‌رود، ای مزدا.

روحانی در رقابت پیروز شده است و توسط اهورامزدا مورد تأیید قرار گرفته است. بدین طریق، اکنون او مانند اهورامزدا زندگی‌بخش شده است. روح نفس وی که سفر را با موفقیت طی کرده است، سرودهای روحانی را در حضور خود اهورامزدا اجرا می‌کند.

گشای زرتشت

بند ۳

بنابر این، حال ما به عنوان پیشکش غذا برای تو با تو بیعت می‌کنیم ای اهورا، و برای نظم کیهانی- آنجا در فرمان تو- تمامی چوپان‌های ما، که * او با پندار نیک خود برای ما جمع کرده است. چرا که قدرت زندگی‌بخش به راه آن ارسال شده است. ای تو که هدایای نیک می‌دهی، با تمامی چیزهای نیک که به زودی می‌رسند در بین آنهایی که مثل همه شما هستند، ای مزدا.

ما به عنوان پیشکش غذایی، تمامی احشام خود را داده‌ایم- که در ابتدا شما به ما دادید- برای شما، تا به خواست خود آن را به مصرف برسانید، تا به شما نیرو ببخشند.

بند ۴

بنابر این ما آرزو می‌کنیم آتش شما قدرتمند باشد، ای اهورا. از طریق نظم کیهانی مراسم دینی ما، * هدایت‌کننده و نیرومند و کمک روشن برای او که ما/ شما را حمایت می‌کند، اما برای آنکه با تو/ ما دشمن است، ای مزدا، ما آرزو می‌کنیم گناهانش به روشنی از طریق چیزهای بدی که با دستانش به حرکت در می‌آیند، به وضوح دیده شود.

پیشکش‌های ما به عنوان مشارکت ما در جوان‌سازی دوباره جهان توسط آتش آسمانی، توسط آتش قربانی نزد تو آورده می‌شوند. اما روشنایی روز عملکردهای ناموفق رقبای ما را نیز آشکار خواهد کرد.

بند ۵

فرمان شما چیست؟ همه شما. خواسته شما برای عملی که اجرا شود چیست، ای مزدا، یا برای چگونگی خوابیدن من؟ به من بگوئید تا ضعیف شما (= تمامی خدایان) توسط نظم کیهانی مراسم روحانی من و پندار نیک من حفاظت شود. ما همیشه همه شما را در ورا و بالای تمامی خدایان قدیمی و همچنین انسان‌های آنها(۵) دانسته‌ایم.

گائای زرتشت

خواسته شما در مورد نحوهٔ کردار من در شب و روز چیست؟ باور ما این است که ما باید ضعیفان را حفاظت کنیم و اهورامزدا و آنانی که با وی هستند را مافوق وجودهای الهی که از وی تبعیت نمی‌کنند- و همچنین پیروان آنان- قرار دهیم.

بند ۶

چرا که اگر همهٔ شما واقعاً در آن مسیر باشید، ای مزدا، در پیوند با(۴) نظم کیهانی و پندار نیک، پس آنرا به نشانه‌ای دائمی(۴) برای من مبدل ساز- چرا که همه چیز این وجود به هر صورتی هستند- بنابر این من باید حتی مطمئن‌تر در مقابل تو قرار گیرم، تو را ستایش کنم و همه چیز را برایت قربانی کنم. و اگر تصورات من در باره تو و چگونگی اجرای قربانی برای تو درست باشد، پس لطفاً نشانه‌ای به من ده تا در پرستش و عبادت تو مطمئن‌تر باشم.

بند ۱۲

بیان^{*} صریح برای تو چیست؟ تو چه می‌خواهی: از ستایش چه می‌خواهی یا از قربانی چه می‌خواهی؟ به ما به صراحت بگو آن واژه‌ای را که باید شنیده شود ای مزدا، که او بر اساس آن پاداش‌ها را برای بیانات^{*} صریح من توزیع می‌کند. گذر از میان نظم کیهانی را به ما بیاموز، (گذرهایی) که گذشتن از آنها (برای آنکه دارای) پندار نیک است، آسان باشد.

یکبار دیگر: قربانی چگونه باید اجرا شود؟ تو چه اعمال و چه کلامی را می‌خواهی؟ همه آنها را به ما بگو تا ارباب مبادله(۴) (بنگرید به هات ۳۳، بند ۷) پاداش‌ها را به شایستگی ارائه کند. دوباره به ما بیاموز که چگونه به تو برسیم.

بند ۱۳

به ما آن راه را بیاموز که تو، ای اهورا، به من گفتی راه پندار نیک است. راه مناسبی که روح- بینایی حیات‌دهندگان در ابتدا(۴) در آن گام نهادند. دقیقاً آن

گشای زرتشت

که از میان نظم کیهانی، به سوی اجرتی که ابتدا برای آنهایی که هدایای نیک دارند و آنهایی که تو امین و نگهدار ودیعه آنها هستی، داده شد ای مزدا.

بگذار بدانیم که کدام مسیر است که از طریق آن قربانی به طور کامل اجرا شده خود را برای تو ارسال کنیم، تا به تو در احیای دوباره جهان هستی کمک کنیم و بابت آن پاداش دریافت کنیم.

بند ۱۴

چرا که ای مزدا، همه شما باید برای زندگی من نفس و استخوان‌هایی بدهید که به خوبی شایسته اجرت و به حساب کردار و پندار نیک من باشد. چرا که برای آنها که در خانوار گاو شیرده هستند، همه شما درک نیک خود از پندار راهنمای من را می‌دهید، ای اهورا. از طریق نظم کیهانی شما خانوارها را به پیش می‌برید.

در واقع در مقابل قربانی عالی من، کل موجودیت من، مطمئن هستم شما اجرت درخوری به من خواهید داد. البته شما حافظ ویژه آنهایی هستید که گاو شیرده برای مراقبت کردن دارند.

بند ۱۵

ای مزدا، بنابر این بگو که شعرهای من نیکنامی اعطا میکنند و کردارهای من بهترین هستند! تو بگو که بازپرداخت من به صورت ستایش‌ها، بهترین است از نظر پندار نیک من و نظم کیهانی مراسم آیینی من. حال شما، با دستور همه شما، ای مزدا، این وجود را به عنوان پر منفعت در مبادله ارزش، وجود واقعی بساز.

پس ای اهورامزدا، بگذار بدانم که بالاخره قربانی من موفقیت‌آمیز بوده و با غنا در مقابل نعمتی که تو به من و مال من اعطا کرده‌ای پرداخته‌ام. با پر کردن دوباره جهان از حیات، و رشد بر اساس معیارهای تو، ارزشی بسیار فراتر در مقابل خدماتی که انجام داده‌ایم. بگذار بر این امر آگاهی یابم.

فصل دوم

اوستوئیتی گانا

یَسْنَا، هَات ۴۳

بند ۱

معرفی وارائه

چیزهای آرزو شده در آرزو برای او هستند. به هر آن کس که مزداهوره به میل خود حکم می‌دهد، به آنها می‌دهد. من آرزوی قدرت می‌کنم که با جوانی همراه شود و برای نظم کیهانی پاسداری کنند. حال تو به من بده، ای آرمیتی، پادشاهای شامل ثروت، زندگی مادی برای (فرد دارای؟) پندار نیک.

اهورامزدا حاکم برتر و مسئول پادشاهها است. حال من آرزوی پادشاه نظم کیهانی (= خورشید و روز نو) و موهبت آرمیتی (= زمین)، به خاطر قربانی کاملم را می‌کنم.

بند ۲

و در نتیجه یک انسان/ قهرمان می‌تواند برای خود بهترین همه چیزها را دریافت کند: بهروزی، حتی اگر در حال حاضر نیز در سلامت باشد. وقتی که از طریق حیات‌بخش‌ترین الهام تو اندیشمند گردد، ای مزدا، از تغییرات خلاقانه/ لذت پندار نیک که تو توسط نظم کیهانی خود ایجاد کردی، با *اطمینان از زندگی طولانی برای همه روزهایش.

وقتی که فردی توسط اهورامزدا الهام بخشیده شد و از اسرار هستی آگاه شد، او در باره برنامه اهورامزدا برای وی اطمینان می‌یابد. خصوصاً اینکه او- هم در اینجا و هم پس از آن- پادشاه داده خواهد شد.

گشای زرتشت

بند ۳

بنابر این، آن انسان/ قهرمان می‌تواند به آنچه بهتر از خوب است، برسد. کسی که به ما بیاموزد مسیرهای مستقیم قدرت حیات‌بخش هم در این حالت دارای استخوان و هم در حالت مسیرهای واقعی و قابل رفتن پندار، تا پیش کسانی که اهورا با آنها می‌زید، داوری آسمانی، کسی مثل تو، دارای تباری نیک، حیات‌بخش، ای مزدا.

به هر کس نیز که در آسمان به ما بیاموزد چگونه به آنجا برسیم، به خوبی پاداش داده خواهد شد.

بند ۴

بنابر این، من باید تو را آنگونه در نظر بگیرم. همچنین به عنوان استوار. تو ای حیات‌بخش، ای مزدا، وقتی که کمک‌هایی که محکم در دستان خود نگهداشته‌ای، ببینند: پادشاهایی که تو در آغاز برقرار نمودی برای کسی که تحت سیطره دروغ است و برای نگهدارنده نظم کیهانی، از طریق گرمای آتش خود، قوی از طریق نظم کیهانی مراسم آیینی من، وقتی که نیروی متعرض پندارهای نیک به نزد من می‌آیند.

وقتی که کاملاً الهام بخشیده شد، آتش آیینی رساندن پادشاهای اهورامزدا در طول مسیرهای گشوده شده توسط قربانی.

بند ۵

بنابر این اکنون من تو را زندگی‌بخش می‌پندارم، ای مزداهوره. وقتی که اکنون تو را در بوجود آوردن وجود نو می‌بینم، وقتی که تو برقرار گردیدی برای اولین بار، اقدامات به صورت کسب‌کننده اجرت، و همچنین واژه‌هایی که در آستانه بیان‌شدن قرار دارند، و وجودی/ اجرت بدی ایجاد کرده است برای بدی و پاداشی نیک برای نیکی- توسط هنرمندی- در مرحله نهایی = اطراف(?) ارباب شبکه.

گائای زرتشت

پادشاهها برای کردارها در ابتدا تعیین شده و در پایان پادشاه داده می‌شوند (بنگرید به هات ۴۸، بند ۶).

بند ۶

مرحله‌ای که در آن تو با الهام زندگی‌بخش خود می‌آیی، ای مزدا. تو و فرمان تو. در آن مرحله او به حساب پندار نیک خود است. او که توسط اعمال وی، رمه گاوها از میان نظم کیهانی به پیش می‌روند. آرمئیتی برای این کردارها الگوهای از پندار هدایت‌کننده تو را اعلام می‌کند. آن کس / آنچه هیچکس نمی‌تواند موجب دروغ‌گویی‌اش گردد.

دریافت‌کننده بهترین پادشاهها کسی است که از برنامه اهورامزدا برای جهان حمایت می‌کند.

بند ۷

بنابر این، حال من تو را الهام‌بخش می‌پندارم ای مزداهوره. وقتی که فرد من را با پندار نیک* احاطه می‌کند و از من می‌پرسد "تو که هستی؟ تو متعلق به که هستی؟ چگونه عواید با* نشان - روزانه خود برای پرسش / مطالبه در* خصوص اشخاص و رمه‌های گاوهای خود* ارسال می‌کنی؟"

من در می‌یابم که اهورامزدا از پیروان خود در باره صلاحیت‌ها و صداقت آنها می‌پرسد.

بند ۸

سپس من در ابتدا خود را به عنوان زرتشتره معرفی می‌کنم، زرتشتره واقعی. دوم اینکه، من آرزو دارم فرمان دهم به خصومت با کسی که تحت سیطره دروغ است. اما برای حافظ نظم کیهانی من آرزو می‌کنم که تحت حمایت و قدرت باشد، چرا که من می‌خواهم آراستگی آن کس که به* خواست خود فرمان می‌دهد را دارا باشم. سوم آنکه، تا حدی که من می‌توانم تو را ستایش می‌کنم، ای مزدا، و تو را در سرودهای روحانی خود به هم می‌بافم.

گشای زرتشت

پاسخ‌های من: من زرتشت واقعی هستم، آنکس که یکبار به اهورامزدا کمک کرد. من در جبهه اهورامزدا علیه دروغ هستم. کار من ستایش اهورامزدا است (بنگرید به هات ۵۰، بند ۱۱).

بند ۹

بنابر این، اکنون من تو را زندگی‌بخش می‌پندارم، ای مزداهوره. هر زمان که او مرا با پندار نیک* احاطه می‌کند، من در این باره می‌پرسم: "برای چه کسی همین اکنون می‌خواهی هدایا دانسته شونند؟ بنابر این، اینجا، من می‌خواهم به آتش تو بدهم به عنوان هدیه‌ای از احترام و به نظم کیهانی: مرا، تا جایی که توانایی دارم و می‌توانم تصورش را بکنم(؟)".

در مقابل من می‌پرسم: هدایایم را به چه کسی باید بدهم؟ من اینجا آماده‌ی دادن قربانی کامل خود و حتی وجود خودم به تو هستم.

بند ۱۰

بنابر این، اکنون تو نظم کیهانی را به من نشان داده‌ای، که من دوباره و دوباره آنرا برای خود اینجا می‌خوانم: همراه با آرمئیتی، اکنون من آنرا در اینجا به حرکت در می‌آورم. همچنین، از ما درباره‌ی آن چیزهایی که سؤالاتی هستند که تا حال از ما توسط تو پرسیده شده است، دوباره بپرس! چرا که آنچه با* نیرومندی از تو پرسیده شده است، چیزی است که به نیرومندان تعلق دارد. تا فرد فرمان‌دهنده تو را قدرتمند و نیرومند سازد.

در گذشته، قربانی من همیشه نور و زندگی را با خود باز آورده است. پس این بار نیز باید موفق شوم. باشد که اهورامزدا به آزمودن توانایی من ادامه دهد، تا اطمینان یابد من آن کسی هستم که می‌تواند با موفقیت او را دوباره به جایگاه حکمرانی جهان برساند.

گائای زرتشت

بند ۱۱

بنابر این، اکنون من تو را حیات‌بخش می‌دانم، ای مزداهوره. زمانی که او با پندار نیک برای من مرا^{*} احاطه می‌کند تا یاد بگیرم.^{*} در ابتدا به حساب واژه‌های بیان‌شده توسط همه شما را: "ایمان به ما در میان انسان‌ها به نظر من یک فاجعه است!" تا اینکه آنی بیان شود که همه شما به من بگویید بهترین است.

حال من با الهام شما می‌دانم که خدایان نگران مداخله انسان هستند و بنابر این من باید با اجرا بر اساس قوانین آنها برای یک قربانی موفق همه تلاش خود را برای برقراری مجدد اعتماد آنها صورت دهم.

بند ۱۲

و وقتی که تو با^{*} علم غیب آنچه به من می‌گویی بهترین پاداش است، می‌آیی: نظم کیهانی، سپس تو به اعلام واژه‌ها به من که نه در حالت عدم آمادگی به گوش فرا دادن دریافت شده‌اند، ادامه می‌دهی، تا واژه‌های من حتی پیش از آمادگی تو به گوش فرادادن / سر‌نویا همراه با پاداش ثروت‌بخش، بیان شوند، کسی که باید پاداش‌ها را در مسابقه برای قدرت زندگی‌بخش به پاها توزیع کند.

شما می‌دانید که می‌توانید به من تکیه کنید. من در گذشته همیشه به راهنمایی‌های شما گوش داده‌ام، پس این بار من دقیقاً می‌دانم برای بدست آوردن نتایج مطلوب چه باید بکنم: سرودهای روحانی من جایزه را خواهند برد!

بند ۱۳

بنابر این، اکنون من تو را حیات‌بخش می‌دانم، ای مزداهوره. زمانی که او با پندار نیک مرا^{*} احاطه می‌کند تا چیزهایی که قرار است از آرزوی من بدست آید، یافت شود. حال آن مسیر حیات طولانی را که هیچکس در واقع^{*} ندیده و شما خدایان آن مسیر را می‌روید، در مقابل من قرار ده. مسیر وجود انتخاب گذشته، حال، آینده که گفته شده تحت فرمان شما است.

گائای زرتشت

مسیر پنهان به سوی خود را برای عملکرد من آماده ساز تا شاید پادشاهها را با خود بیاورد، تا بتوانم آنچه می‌خواهم بدست آورم را بیابم: حیات طولانی و حیات نیک که دادن آن در قدرت تو است.

بند ۱۴

آنچه یک انسان / قهرمان آنرا می‌یابد، مسؤل آن است. ممکن است آنرا به یک دوست بدهد. پس ای مزدا، پیش‌آگهی از پادشاهها و حمایت خود را به من بده، که همه شما از طریق فرمان تو ای اهوره‌مزدا مطابق با نظم کیهانی کسب کرده‌اید، و بدینوسیله شما* رقبای اعلام من برای مطرح شدن را از میدان به* در می‌کنید به همراه آنهایی که متعلق به کسانی هستند که پندارهای شاعرانه را برای شما نقل می‌کنند.

بر اساس قواعد دوستی، به من، به دوست خود پادشاه بده. با طرد کردن رقبای من و عملکردهای رقت‌انگیز آنها، به من در بردن جایزه برای عملکرد من کمک کنید.

بند ۱۵

بنابر این، اکنون من تو را حیات‌بخش می‌دانم، ای مزداهوره. زمانی که او با پندار نیک مرا* احاطه می‌کند، تفکر* ساکت از* گوش دادن من به بهترین وجه* نفع حاصل می‌کند: باشد که هیچ انسان / قهرمانی آن کس نباشد که آرزو دارد بسیاری آنهایی که تحت سیطره دروغ هستند را خوشنود سازد. چرا که آنها مدعی هستند همه اهریمنان حامیان نظم کیهانی هستند.

اما زمانی که الهام تو به من برسد، حتی من ساکت می‌مانم تا به واژه‌های تو در مورد دشمنان تو (و من) گوش فرا دهم (بنگرید به هات ۳۲، بند ۱۰).

بند ۱۶

بنابر این، او آنجا، زرتشتره، ای اهورا، الهام تو را هر چه که باشد ترجیح می‌دهد. ای مزدا، برای تو حیات‌بخش‌ترین است. باشد که نظم کیهانی از طریق

گائای زرتشت

نَفَسَ زندگی من / او استخوان‌هایی داشته و قوی باشد! باشد که فروتنی تحت فرمان و در دیدرس کامل خورشید باشد! باشد که او با کردارهای خود پاداش من برای پندار نیک من را بدهد!

فقط الهام اهورامزدا می‌تواند جهان را سرشار از نور و زندگی سازد. توسط الهام وی است که من قربانی‌ای را اجرا می‌کنم که موجب پدیدارشدن دوبارهٔ خورشید و نور حیات‌بخش آن گردیده و زمین را حاصلخیز و زایا می‌سازد. تا او بتواند با کردارهای خود به ما پاداش دهد.

یسنا، هات ۴۴

بند ۱

زمان پرسش

من از تو این را می‌پرسم: صریح به من بگو ای اهورا، ای مزدا، کسی مثل تو به دوستی مثل من اعلام کند، از مثال تو، از حرمت نهادن تو(؟)، چگونه باید احترام گذاردن برای کسی مثل همه شما صورت پذیرد! بنابر این، راهنمایی‌های(؟) دوستانه که برای ما نهاده می‌شود از طریق نظم کیهانی، به من بگو چگونه احترام شما(؟) باید به نزد ما بیاید، به حساب پندار نیک من/ ما.

قربانی‌کننده به اهورامزدا در باره دوستی طولانی آنها یادآوری می‌کند (که او را مقید می‌سازد) و از او می‌پرسد چگونه احترام آیینی قدرت‌دهنده به زمین را به درستی انجام دهد تا قربانی به راحتی از زمین به آسمان برود.

بند ۲

من از تو این را می‌پرسم: صریح به من بگو ای اهورا، پندار نخست چگونه است؟ از بهترین وجود که نیروبخشی (زندگی‌بخشی) دوباره داده شود به صورت *مطلوب برای؟ وی آن کس که خواستار آمدن به آنها است (= قدرت‌های زندگی‌بخش من؟) در مقابل؟ برای آن، زندگی‌بخش از طریق نظم کیهانی وی، کسی است که برای تمامی ... آنچه آنها *کسب کرده‌اند، *جستجو می‌کند. با

گائای زرتشت

الهام تو/ وی او درمانگر این وجود است، کسی که از معاملات (تو) اطاعت می‌کند، ای مزدا.

پرسش‌های بیشتر در باره قربانی. چگونه نور و حیات را بازگرداند؟ این خورشید (میترا) است، چشم اهورامزدا، که همه چیز را می‌بیند و بر اساس قواعد هستی نظم یافته (تحت نظم کیهانی) می‌رود و نور و حیات را برای این وجود باز خواهد آورد (بنگرید به هات ۳۱، بند ۱۳).

بند ۳

من از تو این را می‌پرسم: صریح به من بگو ای اهورا، چه قهرمانی با تولید مثل خود، اولین پدر نظم کیهانی است؟ چه قهرمانی اولین بار راه خورشید و ستارگان را در جای خود قرار داد؟ او چه کسی است که از طریق وی اکنون ماه در ابتدا درخشان شده و سپس تیره می‌شود؟ درست همان چیزهایی که می‌خواهم بدانم ای مزدا، و همچنین این موارد دیگر.

پرسش‌های بیشتر در باره مبدآها. نظم کیهانی از چه کسی متولد شد؟ چه کسی جهان را بر اساس نظم کیهانی مرتب کرد؟

بند ۴

من از تو این را می‌پرسم: صریح به من بگو ای اهورا، چه قهرمانی اولین بار زمین را در این پایین و ابرها را در بالا بدون فرو افتادن قرار داد؟ چه کسی آب‌ها و گیاهان را بوجود آورد؟ چه کسی دو ناوگان نامهرسان را به باد و ابرها پیوند زد؟ چه قهرمانی ای مزدا، دمی پندار نیک است؟

پرسش‌های بیشتر در باره ترتیب (نظم) جهان.

بند ۵

من از تو این را می‌پرسم: صریح به من بگو ای اهورا، کدام افزارمند اولین بار نور و تاریکی هر دو را در جای خود قرار داد؟ کدام افزارمند خواب و بیداری را در/ برای انسان در جاهای خود قرار داد؟ چه کسی است که از طریق وی

گائای زرتشت

است سپیده، ظهر و شب، لحظه‌هایی که *خواستۀ دستیابی به چیزی را به فرد یادآوری می‌کند؟

پرسش‌های بیشتر در باره ترتیب (نظم) جهان.

بند ۶

من از تو این را می‌پرسم: صریح به من بگو ای اهورا، واژه‌هایی که به زودی بیان خواهم کرد! چرا که اگر به این شیوه درست باشند، پس به روشنی، به حساب اقدامات ما/وی هستند که فروتنی اکنون نظم کیهانی را قطور کرده و به حساب/از طریق پندار نیک ما است که او(؟) فرمان را به تو واگذار می‌کند. تو در ابتدا برای چه کسی گاو شیرده را بوجود آوردی، که برای ما شادی بوجود می‌آورد؟

پرسش‌های بیشتر: اگر درست است که قربانی ما تأثیرات مورد نظر برای تو را داشته است، پس (هشدار، هشدار!) گاوها را برای چه کسی بوجود آوردی؟

بند ۷

من از تو این را می‌پرسم: صریح به من بگو ای اهورا، چه کسی فروتنی را بوجود آورد، فرد *محترم همراه با فرمان؟ چه کسی اولین بار در پوشش زهدان پسری *نیرومند را برای پدر قرار داد؟ با دانستن پاسخ‌ها از پیش، ای مزدا، من اینجا هستم و کمک خود با این موارد را به تو عرضه می‌کنم، کسی که از طریق الهام زندگی‌بخش، برقرارکننده همه آنها است.

پرسش‌های بیشتر: چه کسی هر سال زمین را دوباره می‌سازد؟ چه کسی برای اولین بار پسری را بوجود آورد؟ اما او پاسخ‌ها را می‌داند و بنابر این قادر به اجرای قربانی کامل است تا به اهورامزدا در احیای دوباره جهان کمک کند.

بند ۱۳

من از تو این را می‌پرسم: صریح به من بگو ای اهورا، چگونه ما باید اینجا دروغ را از خود دور کرده(؟) و اهریمن آن را پایین آوریم به سوی آنهایی که سرشار

گشای زرتشت

از امتناع به گوش دادن، شهرت آسمانی را بدست نمی‌آورند؟) از طریق همراهی با نظم کیهانی و هیچ لذتی از پرسش از پندار نیک خویش نمی‌برند؟
پرسشی دیگر: چگونه بایستی دروغ را از خود دور کنیم و به سوی آنانی بفرستیم که آنرا تقویت می‌کنند. آنانی که به اهورامزدا گوش فرا نمی‌دهند، از قواعد وی پیروی نمی‌کنند، و به پندارهای خود برای دستورات وی نمی‌نگردند.

بند ۱۴

من از تو این را می‌پرسم: صریح به من بگو ای اهورا، چگونه من دروغ را تسلیم دستان نظم کیهانی کنم تا با پندارهای شاعرانهٔ اعلام تو زودده شود. تا با زور در میان آنها که تحت سیطره دروغ هستند، گسستگی ایجاد کند و آنها را به ستوه آورد، ای مزدا، و بدبخت سازد؟

پرسشی دیگر: چگونه می‌توانم دروغ را به صورت دشمنی مغلوب به نزد نظم کیهانی شاه بیاورم، تا او حکمش را اعلام کند: "نابودی" و آنها را به سزای آنچه مستحقش هستند، برساند؟

بند ۱۵

من از تو این را می‌پرسم: صریح به من بگو ای اهورا، چرا که اگر اکنون تو به همراه نظم کیهانی حکمران این وجود هستید، تا در زمانی که دو ارتش در عدم توافق متقابل به هم می‌رسند آنرا محافظت کنید، توسط معاملات دورتری که تو ای مزدا، می‌خواهی کاملاً حفظ کنی، به کدام سوی آن دو می‌روی و به کدامیک از آنها پیروزی اعطا می‌کنی؟

پرسشی دیگر: از آنجا که تو اهورامزدا، همراه با نظم کیهانی حکمران عالم وجود هستی، در نبردی که ما در حال جنگیدن هستیم، تو در جبهه چه کسی هستی و به کدامیک پیروزی اعطا می‌کنی؟ (ما امیدواریم که به ما اعطا کنی!)

گائای زرتشت

بند ۱۶

من از تو این را می‌پرسم: صریح به من بگو ای اهورا، چه کسی در هم کوبندهٔ موانع و مناسب برای حفاظت از تمامی کسانی که همراه اعلام تو هستند، می‌باشد؟ بگذار که کمک/ هدایای(؟) درخشان به من اعطا شوند! اعطا کن ای درمانگر این وجود به من، به عنوان(؟) پیروز نمونه! بنابر این، بگذار آمادگی گوش فرا دادن/ سروش نزد وی آید به حساب پندار نیک من/ وی، ای مزدا، به وی، به هر کسی که تو می‌خواهی!

پرسشی دیگر: چه کسی شایستگی دارد جنگجوی تو باشد، اگر چه شاید با اسلحه نجنکد، اما با واژه‌های تو؟ امیدوارم من باشم، اما هر کسی را که تو برگزینی، بگذار او با دستورهای تو به خوبی آموزش داده شود!

بند ۱۸

من از تو این را می‌پرسم: صریح به من بگو ای اهورا، چگونه من باید توسط نظم کیهانی مراسم آیینی خود، آن مخارج را بدست آورم: ده مادیان با یک اسب نر، و همچنین یک شتر، پاداشی که به من* الهام شده است ای مزدا، به عنوان کلیت و ابدیت به شیوه‌ای که تو اکنون آنها را برای خود دریافت می‌کنی.

پرسشی دیگر: من چگونه باید مخارج خود بابت منافی که تو اکنون از قربانی من برداشت می‌کنی را بدست آورم؟ (بنگرید به هات ۴۶، بند ۱۹).

بند ۱۹

من از تو این را می‌پرسم: صریح به من بگو ای اهورا، آن کس که آن مخارج را به کسی که آنها را کسب می‌کند، ندهد، انسان/ قهرمانی که آنها را بیان درست برای خود کسب می‌کند- که باید اولین جبران باشد که برای این به وی می‌رسد(؟)- من این را می‌پرسم. در حالیکه جبران مخارج که باید آخرین چیزی باشد که به وی می‌رسد(؟) را می‌دانم.

گشای زرتشت

پرداخت هزینه‌ها برای خدمات ارائه‌شده، بخشی از قواعد عالم دارای
نظم کیهانی اهورامزدا است. پس مجازات چیست - هم در اینجا و اکنون
و هم در پایان جهان - بابت نپرداختن هزینه به فردی که آنرا بدست
آورده است؟

یسنا، هات ۴۵

بند ۱

زمان داستان

و پس من باید آشکار سازم! حال بشنوید! حال گوش فرا دهید، هم شما که از نزدیک می‌آید و هم شما که از دور می‌آید! حال، همگی، به آن توجه کنید، چرا که درخشان و آشکار است! باشد که آن کس که اعلام بدی دارد، برای بار دوم این وجود را با اولویت بد خود تخریب نکند، آنکس که تحت سیطره دروغ است، توسط بیانات زبان خویش* وامانده است.

قربانی کننده/ شاعر شروع به ابراز دانش خود می‌کند. به شاعر ناتوان مجال نمی‌دهد.

بند ۲

اسطوره مانیوس

بنابر این من می‌باید دو الهام را در ابتدای این(؟) وجود اعلام نمایم که از میان آن دو باید الهام زندگی‌بخش به او بگویند کدام یک را تو الهام اهریمنی می‌دانی(؟): " نه پندارهای ما، و نه اعلام‌های ما، نه پندارهای راهنما، نه اولویت‌ها، نه بیانات، نه کردارها، نه روح‌های- دید، نه روح‌های- نفس با هم

گائای زرتشت

تناسب ندارند. " قربانی کنندگان این حالت خوب را تخریب می کنند، همانگونه که چنین کردند- حداقل- یک بار پیش از این.

اسطوره دو مانیوس، دو الهام، که انسانها باید از میان آنها انتخاب کنند.

بند ۳

بنابر این من می باید در اولین اعلام(؟) (= درباره؟) این وجود، آن مشیت الهی که داناست و مزداهوره حال با من سخن گفته است را اعلام نمایم: آنانی از شما که نبایستی آنرا به این طریق بوجود آورید، پندار شاعرانه، شیوه ای که این مشیت الهی(؟) هست و من باید آنرا بیان دیشم و سخن بگویم، چرا که آن آخرین واژه این وجود «* محنت!» خواهد بود.

اولین چیزی که باید در باره وجود دانست این است که پاداشها برای هر یک از افراد در پایان وجود آنها چه خواهد بود. (بنگرید به هات ۳۱، بند ۲۰).

بند ۴

بنابر این من می باید بهترین اعلام(؟) (= درباره؟) این وجود را مطابق با نظم کیهانی اعلام نمایم: او "مزدا" است، چرا که او کسی که آنرا ایجاد کرد تا پدر پندار نیک باشد، که به تو نیرو میبخشد را می شناسد، در حالیکه دختر وی فروتنی کردارهای نیک است. او «اهورا» است، چرا که وی تمامی چیزها را برای آنها* تحت نظر دارد تا فریفته نگردند.

بهترین چیزی که باید در باره وجود دانست، معنی نام اهورامزدا است و اینکه آرمئیتی چه کسی است. مزدا «به خاطر دارنده» به کسی اشاره دارد که می داند سازنده عالم و پدر پندار نیک زندگی بخش (= آسمان) است، که دختر وی (و نیز همسرش) آرمئیتی (= زمین) است، که با حاصل آن ما زندگی می کنیم. اهورا «خداوندگار» به آتش آسمانی (= خورشید) اشاره دارد، چشمان وی، که همه چیز را می بیند. (بنگرید به هات ۳۱، بند ۱۳).

گائای زرتشت

بند ۵

بنابر این من می‌باید کلمه‌ای را اعلام نمایم که «زندگی‌بخش‌ترین» به من می‌گوید، که برای فانی‌ها بهترین است که شنیده شود: هر آنکس که آمادگی گوش فرا دادن به این (آشکارسازی) من را بدهد، به کمال و نامیرایی می‌رسد. با کردارهای الهام نیکِ خویش اهورا، مزدا است.

و این است بهترین چیز برای فانی‌ها، بر اساس آنچه اهورامزدا به من گفت: به من شاعر-قربانی‌کننده گوش فرا دهید، و بهترین پاداش‌ها به شما داده خواهد شد. چرا که اهورامزدا که «مزدا» است، الهام خویش را مورد استفاده نیک قرار داده و نور و زندگی را در عالم بوجود آورده است، که بنابر این او «اهورا» خدایگان و ارباب آن است. (بنگرید به هات ۲۸، بند ۱۱).

بند ۶

بنابر این من می‌باید بزرگترین همه را اعلام نمایم. ستایش او با نظم کیهانی، آن کس که برای همه آنانی که در الهام زندگی‌بخش وی هستند سخاوتمند است. بگذار اهوره‌مزدا گوش فرا دهد، که در سرود روحانی وی، من با پندار نیک خویش به بحث می‌پردازم. بگذار او توسط پندار راهنمای خویش به من بهترین پندارها و بیانات و کردارها را بیاموزد.

اهورامزدا بزرگترین همه است، کسی که با سخاوت به همه موجودات می‌دهد و بدین خاطر من او را با سرود روحانی که از بیانات وی الهام گرفته شده و در پندار خویش می‌یابم، ستایش می‌کنم.

بند ۷

آنان باید آرزو کنند که به قدرت‌های زندگی‌بخش و سخاوتمندی چه کسی برسند، یعنی آنانی که زنده هستند و همچنین آنانی که زنده بوده‌اند و آنانی که زنده خواهند بود، و روح-نفس یک نگهدارنده نظم کیهانی، قدرتمند در رقابت برای نامیرایی و در رقابت برای جوان بودن، کدام (قدرت‌ها)، بهر حال، به صورت «بلا» بر سر آنانی که تحت سیطره دروغ هستند، فرود می‌آید.

گشای زرتشت

اهورامزدا قدرت‌های متعدد خود را به صورت نیک در بوجود آوردن همه انواع کامیابی بکار می‌گیرد. این پاداشی است که همه موجودات زنده همیشه خواستار آن بوده‌اند. پیرو نظم کیهانی در رقابت برای این پاداش‌ها، رقیبی نیک است (بنگرید به هات ۴۵، بند ۱۰). اما اهورامزدا این قدرت‌ها را به عنوان مشکل‌ساز علیه پیروان دروغ بکار می‌گیرد (بنگرید به هات ۳۴، بند ۷). اهورامزدا با فرمان خویش بر این قدرت‌ها، بر هستی حکم می‌راند (بنگرید به هات ۲۸، بند ۹). او از بالا طناب‌هایی را در دست دارد که هستیِ خلق شده به آنها متصل هستند (بنگرید به هات ۳۱، بند ۸).

یسنا، هات ۶۶

بند ۱

شکوه شاعر

من بر کدام زمین خم می شوم؟ برای یافتن (؟) یک زمین* چراگاه کجا باید بروم؟ آنان مرا از خانواده و جامعه آن جدا کرده اند. خانواری که می خواهم در پی آن باشم (= خود را وقف آن کنم؟) سخاوت خود را به من عطا نکرده است و نه حاکمان زمین، که تحت سیطره دروغ هستند. چگونه باید مرحمت تو را بدست آورم، ای مزداهوره؟

شاعر- قربانی کننده در آماده سازی برای نتیجه گیری از سرود روحانی به اهورامزدا توضیح می دهد که تقریباً هیچ چیز ندارد. پس او برای خدمات خود مزد قابل ملاحظه ای می خواهد. او هیچ زمینی برای کشت و هیچ چراگاهی ندارد. او در گذشته توسط آنانی که باید به او پاداش می دادند، بخوبی پاداش نگرفته است، و قطعاً نه توسط پیروان دروغ.

بند ۲

من دلیل ضعیف بودن خود را می دانم، ای مزدا: دلیل آن فقدان احشام و تعداد کم مردان است. من نزد تو شکوه می کنم: از نزدیک تر به آن بنگر، ای اهورا، به آن نوع حمایتی که یک دوست، با ارائه کردن آن، می تواند به دوست خود

گشای زرتشت

بدهد! حال تو از نزدیک، از میان نظم کیهانی و به دلیل نظم کیهانی آن به پایین، به مراسم روحانی پندار نیک من بنگر.

باز هم همان، اما با یادآوری رابطه مهمان-دوست بین او و اهورامزدا، که هر دو آنان را ملزم به دادن هدایا می‌کند.

بند ۳

چه زمان، ای مزدا، آنانی که گاوهای نر روزها هستند برای به پا داشتن وجود نظم کیهانی توسط اعلام‌های ما که اکنون قدرتمندتر شده‌اند، یعنی، پندارهای راهنمای زندگی‌بخش‌ها، به پیش می‌آیند؟ او برای حمایت از آنچه باید کمک شود و با پندار نیک بافته شده است، نزد* چه کسی خواهد آمد؟ من، ای اهورا، بدین وسیله تو را برای آمدن نزد من برای اعلام اعلان بر می‌گزینم.

چه زمان پندارهای قربانی‌کنندگان، به شکل گاوهای نر آسمانی که نور روز را در عرض آسمان می‌کشند، نور و زندگی را باز خواهند گرداند؟ (بنگرید به هات ۵۰، بند ۱۰).

بند ۴

اما آن کسی که تحت سیطره دروغ است، آنانی که می‌دانم ناقلان نظم کیهانی هستند، گاوهای نر را از حرکشان به سمت جلو باز خواهند داشت، و برانگیزانندگان* بد اسکان یا زمین و مخالفت توسط کردارهای خود وی هستند. هر کس او را از فرمان وی، ای مزدا، یا زندگی وی* خارج سازد، او آن گاوهای نر را در مقابل هزیمت درک نیک وی* قرار می‌دهد. ...

قربانی پیروان دروغ تأثیر متضاد دارد: مانع پدیدارشدن دوباره نور و زندگی می‌شود، پس هر کسی که قادر باشد منابع آنان را گرفته و تلاش‌های آنان را باطل نماید (بنگرید به هات ۵۳، بند ۹)، توسط پندار خویش، به شکل گاوهای نر آسمانی، نور و زندگی را باز می‌گرداند.

گشای زرتشت

بند ۱۱

«افراد ابله» و «شاعران» توسط فرمان‌های بد خود انسان میرا را به کردارهای اهریمنی مطیع کرده‌اند تا وجود حاضر به تخریب شدن ادامه دهد، آنانی که نَفَس- روح خودشان و دید- روح خودشان وقتی که به جایی برسند که پایاب حسابدار هست و خواهد شد، از خشم به لرزه می‌افتند، چرا که تمامی دوره زندگی آنان مهمان خانه دروغ می‌شود.

شاعران بد از فرمان خود برای واداشتن انسان‌ها به انجام کارهای بد استفاده می‌کنند، به طوری که چرخه نیکی و اهریمن حفظ شود. پاداش آنان گذراندن بقیه عمر خود (پس از مرگ) در دوزخ است.

بند ۱۲

اما وقتی که برنده از طریق نظم کیهانی از میان^{*} نتیجه‌ها و نوه‌ها که به عنوان نوادگان «توره»^{*} پسر «فُریه»^{*} اعلام گردد، باشد که تو، ای اهوره‌مزدا، رمه او را با نیروی فروتنی به پیش ببری. بنابر این مزداهوره آنان را به حساب پندار نیکشان برای این انسان‌های ما و برای حمایت^{*} مطیع کرده است تا آنرا برایشان به دیگران اعلام نماید.

وقتی که برنده جایگاه خود را در میان پیشینیان تابناک خود یافته است، سپس اهورامزدا در آن خواهد دید که زمین به خوبی به او پاداش می‌دهد، و همچنین به جامعه وی.

بند ۱۳

او، یعنی کسی که یکبار(?) زَرْتُشْتَرَه سَپِیْتَمَه را با سخاوتمندی در میان میراها مورد مرحمت قرار داد، که انسان/ قهرمان بر اساس الگوها بوده و آماده است تا توسط سرود من/ وی شناخته شود. بنابر این، برای وی، مزداهوره وجود فعلی را برقرار می‌سازد، برای وی او رمه‌اش را به حساب پندار نیک وی به پیش می‌برد. حال ما او را به عنوان همراه نیک نظم کیهانی می‌دانیم.

گشای زرتشت

پاداش حامی انسانی زرتشت سَپیتَمَه (ویشناسپ؟) بوده و هست، پس او را من در سرود خود ستایش می‌کنم، به صورتی که در بین سایر قهرمانانی که بیشتر در گذشته‌اند، می‌نشیند.

بند ۱۴

ای زَرْتُشْتَرَه، کدام نگهدارندهٔ نظم کیهانی تبعیت کننده از معاملات برای تو است؟ برای بزرگترین مبادله هدیه؟ یا، چه کسی می‌خواهد توسط سرود من/ شما پاداش داده شود؟ خوب، او در آنجا «کوی ویشناسپه» در استماع است. در واقع، تمامی آنانی که تو، ای مزداهوره، در * یک و همان خانه خود * حفظ می‌کنی، آنانی که من می‌خواهم با بیانات پندار نیک خود بطلبم.

در میان آنها: زرتشت، ویشناسپ، و تمامی سایرینی که اهورامزدا در خانه خود پذیرفته است. تمامی آنانی که نام آنان ارزش ستایش شدن در سرود مرا دارند.

بند ۱۸

او که بهترین چیزهای یک دورهٔ زندگی کامل را به من می‌دهد، به او، به عنوان بهترین بخش‌های مراسم آیینی من، من حال با پندار نیک خود حتی (= نه چیزی کمتر از) استخوان‌هایم، را واگذار کرده‌ام، اما بلا برای او که ما را می‌پذیرد برای اینکه ما را به بلا ببرد، ای مزدا و شما دیگران، که در پی دستیابی به تأیید شما توسط نظم کیهانی مراسم آیینی من هست. این تبعیض (= قضاوت) پندار راهنمای من و پندار است.

من به عنوان هدایای مناسب برای مبادله، خود خویش را به اهورامزدا می‌دهم تا به عنوان ماده‌ای برای بازسازی حالت جدید وجود در مقابل دوره زندگی کامل عمل کند. رقیب باید شکست را تجربه کند.

گائای زرتشت

بند ۱۹

پیروزی و زمان پرداخت

او که حال باید برای من وجودی حقیقی را بر اساس نظم کیهانی برای زرتشت^{ره} بوجود آورد، کسی که در ارزش مبادله پر منفعت‌ترین است، باید برای این کس (= من) بوجود آورد، کسی که بدان وسیله آنرا به عنوان مزد خود کسب می‌کند، وجودی برتر: یک گاو نر و یک گاو ماده با تمامی چیزهایی که در / توسط پندار فرد یافت می‌شوند. تو ای مزدا، به صورت کسی که اغلب درست همان چیزها را برای من می‌یابد، بر من ظاهر شو.

به حساب عملکرد من در اینجا و نیز عملکرد اصلی زرتشت (که گویا در این لحظه در بهشت در برابر اهورامزدا تکرار شده است؟) روز نو پدیدار می‌شود و من به طور شایسته و به اندازه پاداش داده خواهم شد، چرا که اهورامزدا کسی است که به درستی و حقیقتاً مسئول بهترین پاداش‌ها است.

فصل سوم

سِنْتَامَنِيُوْكَاثَا

یسنا، هات ۴۷

بند ۱

مقدمه و ارائه

به حساب الهام زندگی بخش و بهترین پندار مطابق با نظم کیهانی، به حساب کردار و گفتاری که آنها باید به این تمامیت و نامیرایی واحد بدهند. توسط فرمان وی / من مزدا به همراه (۴) فروتنی (یا در سرتاسر زمین) اهورا است.

از طریق الهام اهورامزدا امیدوارم قربانی کاملی انجام دهم که برایم پادشاهی کسب کند و اهورامزدا را در فرماندهی قرار دهد تا نور و گرمی را به عالم بازگرداند و زمین را وا دارد هدایای خود را بوجود آورد (بنگرید به هات ۴۵، بند ۵).

بند ۲

او بهترین این زندگی بخش ترین الهام را توسط بیانات پندار نیک خود بوجود می آورد تا بر زبان وی جاری گردد، و کردارهای فروتنی توسط دستانش، از طریق این درک: او در آنجا پدر نظم کیهانی است: مزدا.

با دانستن اینکه اهورامزدا نظم دهنده اولیه / اصلی کیهانی بوده، من می باید قربانی صحیحی را اجرا کنم که شامل کارهایی است که اولین قربانی اهورامزدا را دوباره بوجود آورد و همان تاثیر را داشته باشد.

گائای زرتشت

بند ۳

تو به این الهام تعلق داری. از طریق آن تو زندگی بخشی هستی که گاو لذت‌دهنده برای این یک را با هم آفرید. بنابر این، برای وی تو فروتنی را به عنوان آرامش برای چراگاه وی در زمانی که او مشورت کرده است، برقرار کن، ای مزدا، پندار نیک وی.

بند ۴

آنانی که تحت سیطره دروغ هستند، از این الهام، (الهام) زندگی بخش، * خارج می‌شوند، ای مزدا- برای نگهدارنده نظم کیهانی چنین نیست. یک انسان، حتی اگر دارایی کمی داشته باشد، باید برای نگهدارنده نظم کیهانی * مطلوب باشد؛ یک انسان توانمند، حتی اگر دارایی زیاد، اما بد، داشته باشد، باید فقط برای آنکس که تحت سیطره دروغ است، * مطلوب باشد.

پذیرفتن الهام نیک، نشانه شاعران بد است، پذیرفتن آن، نشانه شاعران نیک است. طبقه‌بندی بر اساس نظم کیهانی بودن بر طبقه‌بندی بر اساس ثروت برتری دارد.

بند ۵

و از طریق آن الهام زندگی بخش، ای مزداهوره، تو پادشاهایی را به نگهدارنده نظم کیهانی می‌دهی: یعنی هر چیزی که بهترین است. آن کس که تحت سیطره دروغ است نیز باید هدایایی بدهد، اما بدون کسب مسرت تو، به خاطر سکنی گزیدن- به حساب کردارهای خود وی- در سوی بد پندار.

برای آنانی که الهام نیک را پذیرفته و قربانی خود را بر همان اساس اجرا می‌کنند، تو پادشاهای نیکی اختصاص می‌دهی. اما شاعر- قربانی‌کننده بد با انجام مراسم آیینی خویش راه به جایی نخواهد برد.

گائای زرتشت

بند ۶

از طریق آن الهام زندگی‌بخش تو، ای مزداهوره، حال تو از طریق آتش خود جایگاه استواری برای دو پا در مسابقه برای شهرت نیک ایجاد می‌کنی، از طریق ستبر کردن فروتنی و نظم کیهانی، چرا که او (مؤنث) باید بسیاری را که خواستار آمدن هستند، طبقه‌بندی نماید.

شاعر- قربانی‌کننده نیک توسط اهورامزدا و با آتش وی برای مسابقه آماده خواهد شد (بنگرید به هات ۳۱، بند ۱۹).

یسنا، هات ۴۸

بند ۱

چرا که وقتی او با *ارائه‌های خود، توسط نظم کیهانی مراسم آیینی خویش، بر دروغ سیطره یافت، وقتی که جوایز پیروزی را به پیش فرستاد، که جایزه‌های(۴) اعلام شده * به عنوان (جایزه‌های) قدیمی توسط خدایان و انسان‌های قدیمی در مسابقه برای نامیرایی هستند، پس او سرود روحانی خود را با قدرت‌های زندگی بخش برای تو، ای اهورا، بزرگ خواهد ساخت. ...

وقتی که من با موفقیت و ایمنی، سفر به نزد تو را انجام دادم و جایزه نامیرایی را دریافت کردم، سپس باید برای تو سرودی بخوانم که تو را، ای اهورامزدا، قادر سازد تا اولین وضعیت هستی را دوباره خلق کنی.

بند ۵

حال بگذار آنانی که فرمان نیک دارند، فرمان برانند! و مگذار آنانی که فرمان بد دارند بر ما فرمان برانند! با کردارهای درک نیک من / تو(۴)، ای فروتنی، تو زنان میرا را توسط مراسم آیینی پس از تولد پاک بساز. باشد که بهترین چیزها برای گاو تولید شود! تو به متمایل کردن او (مؤنث) به فراهم کردن غذا برای ما ادامه بده.

آرزو دارم کسانی بر جهان حکومت کنند که بتوانند نور و زندگی و همچنین رشد و باروری را در زمین بوجود آورند.

گشای زرتشت

بند ۶

چرا که او (مؤنث) (= فروتنی) به ما *شادی داده است، او به ما جوانی داده است. او به ما قدرت پندار نیک داده است. تو، ای فروتنی محترم! پس مزدا اکنون باید برای او از طریق نظم کیهانی گیاهان را رشد دهد، او، اهورا، در تولد دوباره اولین وضعیت هستی.

چرا که آرمئیتی/ زمین به ما سعادت و شادی می‌دهد، و این اهورامزدا است که می‌تواند موجب وقوع آن شود.

بند ۷

بگذار خشم محدود گردد! مانع را کوتاه کنید ای شما که خواستار دستیابی به اینجا و چسبیدن به *پوشش پندار نیک از طریق نظم کیهانی هستید، که ارباب-ریسمان آن انسان زندگی‌بخش است، در حالی که ریسمان حائل آن آنجا در اقامتگاه تو است، ای اهورا. ...

اما برای آنکه چادر نیک را برافراشته کنی (= آسمان روشن از نور خورشید را بازگردانی) باید بین شاعر-قربانی‌کننده، کسی که آنرا از پایین حمایت می‌کند، و اهورامزدا، که آنرا از بالا نگاه می‌دارد، چادر اهریمنی تاریکی برچیده شود.

یسنا، هات ۵۰

بند ۶

دارنده پندارهای شاعرانه که صدای خود را بالا می‌برد، ای مزدا، او که با اظهار بندگی توسط نظم کیهانی مراسم آیینی خود، از معاملات تو اطاعت می‌کند، من/ او زرتشتره است. باشد که سازنده پندار راهنما آنرا از طریق پندار نیک خود راهنمایی کند که چگونه اسب ارابه این زبان من و ریسمان هدایت کننده آن باشی.

در واقع، او که تو همین اکنون آوای وی را می‌شنوی کسی نیست مگر زرتشت. یکبار دیگر: به من بیاموز، ای اهورامزدا، چگونه قربانی کارآمد اجرا کنم!

بند ۷

پس، حال من باید برای تو بادپاترین پیام‌رسانان- که سینه‌های فراخ دارند را مطیع گردانم، توسط پیروزی‌های سرود روحانی من به تو، ای مزدا، قدرتمند شده توسط نظم کیهانی مراسم آیینی من، توسط پندار نیک من، که از طریق آن پیروزی‌ها/ سرودهای روحانی، همه شما غنیمت‌ها را تصاحب کنید. آیا همه شما کمک من خواهید بود؟

چرا که سپس سرودهای روحانی ستایش و بزرگداشت من شهرت شما را به هر جایی رسانده و تو و همراهان آسمانی تو توسط غنیمت‌های پیروزی حاصل از پیروزی من بر نیروهای اهریمنی و در استماع غنی خواهید شد.

گائای زرتشت

بند ۸

پیروزی و زمان پرداخت

با قدم‌هایی که به عنوان قدم‌های پیشکش شیر شهرت یافته‌اند، حال من باید به دور همهٔ شما طواف کنم، ای مزدا، با دستانی به آسمان برافراشته. پس من باید با نظم کیهانی مراسم آیینی خود و به احترام داور مطلق آسمانی به دور همه شما طواف کنم. پس من باید با نعمت پندار نیک خود به دور همه شما طواف کنم. من آماده اجرا هستم.

بند ۹

با آن قربانی‌ها من باید به پیشگاه شما آمده و همه شما را ستایش کنم، ای مزدا، با نظم کیهانی مراسم آیینی من (۵)، با کردارهای پندار نیک من، زمانی که (= به محض اینکه) من پاداش خود را به خواست خود تحت اختیار کنم، پس باشد که با رشد و توانایی‌ام در اشتیاق یک سخاوتمند باشم.

به محض اینکه بدانم برنده هستم و بدانم که به خوبی پاداش داده خواهم شد، شما بیش از هر زمان دیگری مورد ستایش قرار خواهید گرفت.

بند ۱۰

پس، کردارهایی که باید اکنون انجام دهم، هم آنهایی که شما آرزوی آن را کرده‌اید و هم آنهایی که چشمان ما به حساب پندار نیک ما شایسته دیدن آنها هستند، باز گرداندن نور خورشید هستند. گاو نر روزها* پیشروان سرودهای روحانی من به همه شما از طریق نظم کیهانی است، ای مزداهوره. و پاداش برتر، ایجاد حالت جدید وجود است.

بند ۱۱

پس، من باید خود را به عنوان ستایش‌کننده شما اعلام کنم، ای مزدا و شما دیگران، و من باید- تا جایی که توسط نظم کیهانی مراسم آیینی خود می‌توانم و

گشای زرتشت

قادر هستم - ایجادکنندهٔ اولین وجود باشم که توسط پندار نیکم* موفق بوده‌ام!
به حساب کردار/ بیان واقعی من تا آنچه که در مبادله ارزش، پر منفعت است،
وجود آید!

و این من هستم که باید قربانی‌ای را اجرا کنم که شما را قادر می‌سازد حالت
جدید وجود را بوجود آورید، پس اکنون در مقابل تلاش‌های من آنرا بوجود
بیاور!

فصل چہارم

وہو خَشْرُ اَکَاثَا

یسنا، هات ۵۱

بند ۱

مقدمه وارائه

فرمان نیک، چیزی است که بهترین آورنده سهم ارزشمند برای کسی است که آرزوی تشخیص روشن(؟) آنرا دارد. پیشکش شیر در همین لحظه، خود بین آسمان و زمین از طریق نظم کیهانی و توسط کردارهای ما در حال رفتن است، ای مزدا. آن نیک‌ترین کردار/ فرمان ما را، من هم اکنون در حال ایجاد آن نیک‌ترین کردار/ فرمان ما هستم.

اگر فردی آرزوی دیدن جهان دوباره جوان‌شده را دارد، یک قربانی لازم است تا دوباره حاکمیت نیک اهورامزدا و پرستش‌کنندگان را ایجاد کند. این قربانی هم اکنون در جریان است، قربانی هم اکنون در راه خود به سوی آسمان است، پس نتیجه مطلوب به زودی کسب خواهد شد.

بند ۲

بدین طریق من باید برای همه شما اولین وضعیت هستی را بوجود آورم، ای مزداهوره، هم برای نظم کیهانی و هم برای تو، ای فروتنی. من باید به شما نشان دهم فرمان مراسم آیینی/ آرزوی خود را! بده، ای اهوره‌مزدا/ فروتنی، اکنون به سرود روحانی ما، به حساب پندار نیک ما، ای اهوره‌مزدا و شما دیگران، فرمان خود بر قدرت زندگی بخش را!

با قربانی وی قطعاً جهان دوباره جوان خواهد شد: خورشید و روز مجدداً پدیدار می‌شوند، زمین دوباره حاصلخیز می‌شود و هدایای خود را بوجود

گائای زرتشت

خواهد آورد (بنگرید به هات ۵۰، بند ۱۰). بنابراین، باشد که خدایان فرمانی که توسط آن بتوان این را بدست آورد را به سرودهای ستایش وی بدهند.

بند ۳

بگذار اهورا (= آتش) واژه‌هایی که خود را با کردارهای ما متحد می‌کنند به گوش‌های شما هدایت کند، از طریق نظم کیهانی مراسم آیینی من، توسط بیانات پندار نیک من که توسط زبان من هدایت شده است، پندارها و بیاناتی که اولین ابداع کننده آنها تو هستی، ای مزدا.

بگذار آتش، ارابه‌رانی باشد که قربانی وی را هدایت می‌کند، سرودهای پرستش وی، که توسط زبان وی از میان فضاهاى آسمانی (یا: به واسطه کمال قربانی) جاری شده‌اند. اینها بر پایه پندار و بیانات اولیه اهورامزدا در طی قربانی روزگار نخست، زمانی که او نظم کیهانی را از میان هرج و مرج آفرید، الگوسازی شده‌اند (بنگرید به هات ۳۱، بند ۱۷).

بند ۴

زمان پرسش

قدرت* خلاق با کمیت درست کجاست؟ کجا فرد در پی رحمت خواهد ایستاد؟ نظم کیهانی که سرنوشت را خواهد آورد، کجاست؟ فروتنی زندگی‌بخش کجاست؟ نیک‌ترین پندار کجاست؟ تو با فرمان خود کجا خواهی آمد(؟)، ای مزدا؟

آیا عملکرد من عنایت خدایان را بدست خواهد آورد؟ آیا برایم شهرت به ارمغان خواهد آورد؟ آیا زمین را دوباره حاصلخیز خواهد ساخت؟ آیا پندار من برای اجرای یک قربانی کامل کافی خواهد بود؟ آیا موجب برقراری دوباره حاکمیت نیک اهورامزدا خواهد شد؟ (بنگرید به هات ۳۰، بند ۷).

گشای زرتشت

بند ۵

من درباره تمامی این چیزها می‌پرسم: چگونه او *گاوی را مطابق با نظم کیهانی *می‌یابد (= قادر است بیابد)، علیق دهنده، دارای منابع پرگنجایش توسط کردارهای خود و پندار نیک هدایت کننده توسط احترام وی به کسی که، به درستی فرمان دهنده است و بنابر این پاداش‌ها را در اختیار دارد، برای خود، مرا به عنوان الگویی از آنانی که از قوانین تبعیت می‌کنند، مشخص نموده است.

و پرسش نهایی: ایمان آورنده‌ای که منبع اصلی وی توانایی‌اش در انجام یک قربانی نیک است، چگونه او می‌تواند نیکی‌های مادی را نیز بدست آورد، به ویژه گاو ضروری و لازم را؟ خوشبختانه، اهورامزدا به او توجه داشته و نظر مطلوب دارد.

بند ۶

آن کس که اکنون چیزی که بهتر از نیکی است را دریافت می‌کند و آن کس که آنرا در جهت تأیید وی *هدایت می‌کند، توسط فرمان وی مزداهوره است (۴). اما، برای آن کس که نباید سهم فرمان (۴) خود را در آخرین دوره این هستی با وی (= اهورامزدا) تقسیم کند، برای وی بدتر از بد خواهد بود.

دریافت کننده قربانی که در این لحظه تمجید می‌گردد، اهورامزدا است. اگر او نیز آنرا تأیید کند، حاکمیت نیک وی را دوباره احیاء خواهد کرد. اگر کمتر از کامل باشد، تأثیر مورد نظر را نخواهد داشت: جوان‌سازی دوباره این جهان نور و حیات، وقتی که به انتها می‌رسد و با دوره تاریکی و بی‌حیاتی روبرو می‌شود.

بند ۷

حال به من بده، ای کسی که گاو، آب‌ها، گیاهان، نامیرایی و کلیت را از طریق زندگی‌بخش‌ترین الهام خود آفریدی، ای مزدا، قدرت و جوانی برای من تا آنها را با پندار نیک خود اعلام نمایم.

گائای زرتشت

باشد که اهورامزدا، کسی که در آغاز عناصر زندگی بخش طبیعت را بوجود آورد، به پرستشگر الهام بخشد تا بهترین سرود خود در ستایش هدایای اهورامزدا را بسراید.

بند ۸

زمان داستان

بنابر این من باید بگویم به تو، ای مزدا- چرا که یک انسان/ قهرمان ممکن است بگوید- به کسی که در حال حاضر می‌داند- برای آن کس که در سوی اهریمنی خود تحت سیطره دروغ است، چه خواهد بود، اما برای آن کس که به نظم کیهانی چنگ زده و آنرا حمایت می‌کند، چیزهایی که آرزویشان را کرده خواهد بود. چرا که آن کس دارنده پندارهای شاعرانه است، آن کس- در زمان سعادت‌مند بودن- باید به آن کس که می‌داند، بگوید.

پرستشگر ادامه می‌دهد تا به اهورامزدا نشان دهد او اسرار را می‌داند: پادشاهای برندگان و بازندگان چه خواهند بود.

بند ۹

با چابکی‌ای که تو توسط آتش درخشان خود به پاهای وی می‌دهی، ای مزدا، تا با فلز مذاب بر وجود آنها داغ(؟) زده شود تا آن کس که تحت سیطره دروغ است جهت زیان مشخص شود، تو به فراهم نمودن قدرت زندگی‌بخش برای نگهدارنده نظم کیهانی ادامه بده.

با طرد بی‌ایمانان- گرفتن توان از پاهای آنها در مسابقه (بنگرید به هات ۵۳، بند ۸)- و داغ زدن بر آنان برای مجازات نهایی، اهورامزدا موفقیت ایمان‌آورنده را تأیید می‌کند.

بند ۱۰

بنابر این، «انسان/ قهرمان» که متفاوت با این، باید سعی کند تا مرا تخریب کند، ای مزدا، او فرزند دارنده طناب دروغ است، که به آن وسیله او همچنین هدایای

گشای زرتشت

اهریمنی را در بین/ به آنانی که هستند، می‌دهد. من باید برای خود نظم کیهانی را بطلبم تا با پاداش نیک برسد.

مخالفان و رقبای پرستش‌کنندگان دارای نسب اهریمنی‌اند (مانند دیوان)، و هدایای آنان به اندازه خودشان اهریمنی است. به هر حال آن کس که ایمان دارد، پاداش‌های نیک دریافت خواهد کرد.

بند ۱۱

کدام انسان/ قهرمان اطاعت‌کننده از معامله‌ها برای سپیتمه زرتشت‌ره است، ای مزدا؟ یا چه کسی به نظم کیهانی رجوع کرده است؟ فروتنی زندگی‌بخش با چه کسی مشورت کرده است؟ یا چه کسی - کسی که دارای منابع پُر گنجایش باشد - مرا برای خود برای مبادله هدایا با پندار نیک نشان کرده است؟

پرستش‌کننده از اهورامزدا می‌پرسد که آیا زرتشت در آسمان حامیانی دارد که به او به خاطر عملکردش پاداش دهند؟

بند ۱۲

شکایت‌شاعر

آن «لاف‌زن»، شاعرک، با وجود(?) آن پندار نیک(?) با سخاوتمندی خود در گذر در زمستان او را مورد التفات قرار نده، زرتشت‌ره سپیتمه، زمانی که(?) پیام‌آور وی *مانع وی شد در آن، وقتی که دو حیوان از گله گرفته شده وی خسته از *راه رفتن و *سرما از وی عصبانی بودند(?).

کدام ما را به داستان مصیبت‌ها و آزمایش‌های سخت زرتشت رهنمون می‌شود، که امروز به همان اندازه واقعی است که آن زمان بود!

بند ۱۳

بدینوسیله روح - دید آن کس که تحت سیطره دروغ است باید پندار شاعرانه واقعی را از راه راست به زیان وی منحرف سازد، پس روح - نفس چه کسی او

گائای زرتشت

را از خشم به لرزه در می‌آورد وقتی که از نظر پایاب حسابدار، به خاطر کردارهای خود و کلام زبان وی برای همیشه از مسیر نظم کیهانی منحرف شده است.

وقتی که به جایگاه حساب میرسی، به هر حال، تو بر اساس کردارهای خود پاداش داده خواهی شد. هیچ راه گریزی وجود ندارد!

بند ۱۴

«مِن مِّن کَنندگان» از معامله‌ها تبعیت نمی‌کنند و * با قوانین ایجاد شده و چراگاه * به میزان درست برای گاو مطابقت ندارند، با این حال با لافزنی با کردارهای خود و اعلان‌ها خوشنود هستند. با اعلام این که در آخر آنان را در خانه دروغ جای خواهد داد.

پس ای مخالفان و ای رقبا، به هوش باشید!

بند ۱۵

مسابقه و قضاوت

هزینه‌ای که زرتشت پیشتر به اربابان مبادلهٔ هدیه تکلیف کرده بود، در خانهٔ سرود اهورامزدا به پیش می‌آید، برای اولین فردِ در صف. به حساب آن هزینه، من خود را از طریق پندار نیکِ خود با قدرت‌های زندگی‌بخش در خدمت همه شما و نظم کیهانی قرار داده‌ام.

هزینه‌ای که از طریق تجربهٔ زرتشت معین شده است، توسط خود اهورامزدا عرضه می‌شود، که پیشگام مجموعهٔ عطایا است. برای کسب این هزینه، پرستش‌کننده خودِ خویش را قربانی اعظم می‌کند تا نظم کیهانی دوباره احیاء گردد.

گائای زرتشت

بند ۱۶

کوی ویشتاسپه ابتدا با فرمان مبادله هدايا در مسيرهای پندار نيك خود به آن درک رسيد. درکی که او ابتدا(?) از طريق نظم کيهانی به آن انديشيد: "مزداهورا زندگی بخش است!" تا چیزهای آرزو شده، نزد ما نیز به همان صورت ظاهر گردد.

ويشتاسپ، شاعر- قربانی کننده بزرگ، قربانی‌ای را با نتیجه مطلوب اجرا کرد- (يعنی) گشایش مسیری برای آن به سوی آسمان با پندار نيك وی- پس از تشخيص اینکه این اهورامزدا است که نور و حیات در جهان را حفظ می‌کند.

بند ۱۷

فُرَشُّشْتَرَه هُوَگُوَه دوباره و دوباره شکل دَنَنا(?) خود را که به خاطر شايستگی‌هایش مورد احترام است، به من نشان می‌دهد. باشد که حال اهورامزدا به دید- روح نيك من اشتیاقی دهد (= پاداش مورد خواست؟) که برای وی (مؤنث) سریع است، - مزداهورا، کسی که فرمان می‌دهد- تا اشتیاق ما برای نظم کيهانی حاصل شود.

به طور مشابه، دَنَناي موفقیت‌آمیز فرشوشتر هُوَگُوَه مثال دیگری ارائه می‌کند. باشد که اهورامزدا به دَنَناي پرستش‌کننده و همچنین خود پرستش‌کنندگان پاداش دهد.

بند ۱۸

حال جاماسپه هُوَگُوَه آن درک را به عنوان بهره‌های(?) * نيك مراسم آیینی خویش توسط نظم کيهانی مراسم آیینی خود انتخاب می‌کند: "آن فرمان پندار را تو باید اکنون به عنوان پاداش‌های نيك خود(?) بیابی!" حال آن فرمان را به من محول کن، ای اهورامزدا، که حمایت کننده تو است!

گائای زرتشت

به طور مشابه، جاماسپ هُوگوه دریافت که پندار نیک ابزاری بود که توسط آن حاکمیت نیک می تواند دوباره برقرار شود و پاداش‌های آن ارائه شوند. باشد که اهورامزدا به همان صورت، آن فرمان را به من بدهد تا بتوانم در مقابل، آنرا به او بدهم.

بند ۱۹

آن قهرمان، ای مئیدیوئی مانگها، حال آن فرمان را به عنوان (فرمان) برای این سپیتمه تعیین می کند. آنرا با یافتن توسط روح- دید خود برای خویش می یابد. (او) که به واسطه عبادت خواستار رسیدن به اولین هستی- هستی مزد- است، به من می گوید: "از طریق کردارها او چیز بهتری از حیات مادی را دریافت می کند / تو برقرار می کنی."

و بنابر این، او به پرستش کننده فرمان را می دهد، همانگونه که با زرتشت چنین کرد. و او آنرا بدست خواهد آورد، زمانی که دئئای وی به آسمان برسد، همانگونه که دئئای زرتشت رسید. کسی که به پرستشگر یادآوری می کند که از طریق کردار وی است که او پاداش‌های حیات نیک را به دست خواهد آورد.

بند ۲۰

برای اینکه آن قدرت زندگی بخش شما، ای شما تمامی کسانی که همین تمایل را دارید، به ما داده شود؛ ما قربانی می کنیم برای نظم کیهانی با پندار نیک خود و با بیان خود، که توسط تمامی آن فروتنی اینجا خواهد بود. ما با احترام خود، آنها را به عنوان قربانی عرضه می کنیم تا هدایای (؟) مزدا را بدست آوریم، یعنی آن کس که با هدایای خود حمایت را ارائه می کند.

از طریق قربانی خود، هم پرستشگران و هم اهورامزدا قدرت جوازسازی دوباره نظم کیهانی و زمین را دریافت می کنند و آنان را شایسته پاداشی نیک می سازد.

گشای زرتشت

بند ۲۱

پیروزی و زمان پرداخت

اکنون او انسانی زندگی بخش به واسطه این درک است: "به واسطه بیانات من، کردارهای فروتنی به وجود می آیند؛ توسط روح- دید من، نظم کیهانی دوباره سرشار از حیات است؛ توسط پندار نیک من مزداهورا فرمان خود را برقرار می سازد." پس حال من از او درخواست پاداشی نیک می کنم.

حال پرستشگر تمامی رازها را می داند و با عملکرد مقدس، عملی ساختن دوباره قربانی آغازین اهورامزدا آراسته می گردد.

بند ۲۲

او که در عوض قربانی من به او، می داند که بر اساس نظم کیهانی، بهترین چیزی که اندوخته من است، اهورامزدا (است). تمامی آنانی که بوده اند و آنانی که هستند، آنانی که من باید حال به نام خودشان قربانی کنم و به نشانه پیروزی (یا: به عنوان برنده) به دور آنها طواف کنم.

اهورامزدا پاداش مناسب برای قربانی مرا می داند. حال من باید تمامی (دیتیها، شاعران قربانی کننده، قهرمانان، ایمان آورندگان) اعم از زنده و مرده را ستایش کنم.

فصل پنجم

وَهَيْسَتْوَيْسْتِي كَاثَا

یسنا، هات ۵۳

بند ۱

معرفی وارائه

پس بهترین مراسم آیینی، مراسم آیینی زرتُشتره سِپِتمَه است. چرا که اهورامزدا مطابق با نظم کیهانی (آن؟)، تملک وجود نیک برای کل دوره زندگی را به عنوان پاداش به وی می‌دهد. همچنین (مراسم آیینی) آنانی که بیانات و کردارهای روح-دید نیک وی را *تقلید کرده و در آن *مهارت می‌یابند.

به دلیل کارایی قربانی زرتشت.

بند ۲

و پس بگذار آنان همگی توسط پندار، بیانات و کردارهای خود، از مرحمت وی، یعنی مزدا، پیروی کنند (= خود را وقف آن کنند). سرود روحانی وی را انتخاب کنند و قربانی‌ها برای وی، طوری که کوی ویشناسپَه-یک پیرو زرتُشتره و یک پیرو سِپِتمَه- و فُرَشُشتره مسیرهای مستقیم در انتظار هدیه روح-دید را دنبال کردند که اهورا به عنوان (مسیر) زندگی بخش دوباره برقرار می‌سازد.

تمامی جانشینان وی باید از وی پیروی کنند.

بند ۳

بگذار پوروچیستا، یک هَیجَت‌آسپَه- او (مؤنث) یک سِپِتمَه و جوانترین دختر زرتشت- کمان را محکم *بکشد برای شلیک متقابل پندار نیک وی

گائای زرتشت

(مذکر) و (پندار نیک) مزدا. حال او (مؤنث) پیوند خود با نظم کیهانی را به تو داده است. بدین طریق با پندار راهنمای خود، زندگی بخش‌ترین همه! مشورت کن، برای خویش کردارهای فروتنی را به صورت چیزهای (؟) نیک سخاوتمندانه به وجود بیاور.

زرتشت در یسنای اصلی (اول) خود جوانترین دختر (و همسر؟) خود را عرضه کرد تا به عنوان مراسم آیینی و نشانگر آرمئیتی- دختر و همسر اهورامزدا و منبع تمامی نیکی‌های روی زمین- با اهورامزدا وصلت کند. جانشینان زرتشت نیز باید به همین شیوه عمل کنند.

بند ۴

چرا که آن یک در میان شما است، ای رقبا، که من باید برای وی (مؤنث) *نگهدارم که پادشاه‌ها را به پدر و آقای خویش، و علیق دهنده، و بنابر این به خانواده توزیع کند: زنی که نظم کیهانی را برای نگهدارندگان نظم کیهانی حفظ می‌کند. در طلب بهره‌گیری از *خرسند کننده ذهن سرشار از آفتاب پندار نیک من، مزداهورا آنرا به عنوان پادشاه روح- دید نیک من برای تمامی دوره زندگی‌ام به من می‌دهد.

پوروچیستا پادشاه‌ها را برای پدر و همسر خود (= زرتشت) می‌آورد.

بند ۵

زمان داستان

من دو دستورالعمل را به شما می‌گویم، ای زنان جوانی که در آستانه برده شدن هستید، و با شما ای مردان (؟)، دستورالعمل‌های *سرودخوان را. به آنها توجه کنید! اول: به یافتن حالتی که حالت پندار نیک است برای خود توسط روح- دید خویش و برای زنان ما، ادامه دهید! دوم: هنگام گذر از میان نظم کیهانی بگذارید هر یک از شما دیگری را *منور سازد! چرا که این بهره‌ای نیک برای وی خواهد بود!

گشای زرتشت

در آغاز اولین مسابقه، که احتمالاً مسابقه‌ای واقعی بوده است، افراد واقعی در آن دخیل بوده‌اند، و نه صرفاً نمایندگان مراسم آیینی. زرتشت شرکت کنندگان را مورد خطاب قرار می‌دهد، یعنی مردان و زنان جوان خانواده و جامعه خود را.

بند ۶

بدین طریق آنان را به درستی به عنوان خوبان واقعی علامت‌گذاری کنید، ای قهرمانان/ مردان! به آن طریق آنان را به درستی به عنوان خوبان واقعی علامت‌گذاری کنید. ای زنان! * ترکیب‌های مطابق با دروغ- که شما که تحت سیطره دروغ هستید، * اکنون به عنوان چیزهایی ارزشمند برای پیشکش می‌بینید، اما شما * ددمنشانه بدن‌های خود را با هیولاصفتی فربه کرده‌اید- خوراک حماقت برای شماست که از میان فضای میانی گذر می‌کنید. برای شما که تحت سیطره دروغ هستید و نظم کیهانی را معیوب می‌کنید، آسایش گم شده است. شما اکنون در اینجا از طریق آن کردارها/ بیانات خود، حالت پندار را تخریب می‌کنید.

در باره خطرات فریفته شدن به واسطه دروغ.

بند ۷

مسابقه و قضاوت

و بنابر این برای شما ای نگهدارندگان نظم کیهانی، باید پاداش این مبادله هدایایی باشد تا زمانی که * محورهای شما، ای مردان جوان(؟)، ای با ایمان‌ترین‌ها، در انتهای اندام زنانگی شما، ای زنان جوان(؟) به عقب و جلو حرکت می‌کند، در جایی که الهام آن کسی که تحت سیطره دروغ است، صرف شده است. شما که تحت سیطره دروغ هستید، باید آن مبادله هدایا/ سوراخ را از دست بدهید. بنابر این، آخرین کلام شما باید افسوس باشد و نه در هم تنیدن.

گائای زرتشت

در باره اهمیت حفظ یوغ- محور به صورت مستقیم بین چرخ‌های ارابه و اداره انرژی آنها(!). رقبای بی‌کفایت بسیار بد خواهند دید.

بند ۸

به حساب آن بیانات / اجراهای آنها بگذار که در هنگام قضاوت آنجا باشند، به عنوان مردان با مردانگی بد، * فریب خوردگان، و همه آنها که تمسخر شده‌اند! بگذار بر سر آنها فریاد زده شود! بگذار اکنون آنها توسط آنانی که فرمان‌های نیک دارند در هم کوبیده شده و * خونشان ریخته شود! و بگذار این یکی(؟) توسط این کردارهای ما به شهرهای اسکان یافته، سازش و آرامش دهد! بگذار * عذاب به عنوان بزرگترین سهم آنان، آنان را در هم شکنند(؟)، آن کسی که در غل و زنجیر مرگ است. و بگذار که این امر زود باشد!

آنان از مردانگی محروم شده، هو شده، و به بیگاری کشیده می‌شوند. برنده، سازش و چراگاه را به اقامتگاه‌ها می‌آورد، در حالی که بازندگان از تنبیه ابدی در عذاب خواهند بود.

بند ۹

* احمق به همراه آنانی که ارجحیت‌های بد/ پشیم(؟) داشته‌اند، برای شما * طناب‌های * مندرس فردی را * شکل خواهد داد که با * توسل * ناچیز به نظم کیهانی معیوب، بدن خود را از دست داده است. اهورایی که از نظم کیهانی تبعیت می‌کند، کجاست؟ آن کسی که شاید آنان را از حیات خود و آزادی پرسه زدن محروم کند؟ آن، ای مزدا، فرمان تو است، که توسط آن باید وضعیت بهتر این هستی را به فقیری که زندگی درستی دارد، بدهید.

این رقبای بی‌کفایت، که انتخاب اصلی اول نادرستی را داشته‌اند، قادر به تولید سرودهای به خوبی به هم بافته شده و قربانی‌های دستور داده شده، نخواهند بود. بگذار آنان زندانی شده و از زیان رساندن باز داشته شوند! به شاعر فقیر خود و جامعه وی، استطاعت داشتن زندگی نیک را عطا کن.

یسنا، هات ۵۴

بند ۱

پیروزی و زمان پرداخت

بگذار ائیریمَن چابک برای حمایت از مردان / قهرمانان و زنان / قهرمانان به اینجا بیاید، برای حمایت از پندار نیک زرتشت، که توسط آن روح - دید وی می‌تواند پاداشی ارزشمند به دست آورد. حال من درخواست پاداش / برای نظم کیهانی رادارم، که اهورامزدا آنرا شایسته این می‌داند که به سرعت به اینجا بیاید.

بگذار نبوغ صلح و هم‌آهنگی، مردم ما و هوش زرتشت و جانشینان وی را حمایت کند. اگر شعر من پیروز شده است، پس لطفاً به سرعت پاداش مرا برابیم بفرستید! - نکته: بر اساس (نتیجه‌گیری) وندیداد، ائیریمَن درمانگر ازلی نیز بوده است که به خواست اهورامزدا ۹۹.۹۹۹ بیماری که روح اهریمنی در جهان انداخته را درمان می‌کند. شاید این نیز عملکرد وی در اینجا باشد: به عنوان درمانگر ازلی و برتر این حالت (مقایسه کنید با هات ۳۱، بند ۱۹ و هات ۴۴، بندهای ۲ و ۱۶).

First Edition 2013

Lithography & Print
Tavous Rayaneh/ Kava

*

www.ghiasabadi.com

© All rights reserved
ISBN 978 964 6303 46 1
Printed in Iran

Persian Studies

The Gathas of Zarathustra



Tehran 2013

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**